رنجبر

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

مهر ۱۳۹۴ - شماره ۱۲۵
سال ۳۶

بدون تفسیر!.....صفحه ۷
ببین بربریت به کجا رسیده است؟ .....صفحه ۱۱
بیش از ۴۰ درصد اقتصاد ایران معاف از مالیات.....صفحه ۱۲
دیکتاتوری و موادمخدر.....صفحه ۱۲
درجنبش جهانی کمونیستی کارگری و زنان صفحه ۲۴
امپراتوری دلار ایالات متحده لخت عریان شده است. این دیگر هیچ چیز برای خود نمایی ندارد صفحه ۲۴
پرسش ها و پاسخ های قابل بحث (بخش سوم) صفحه ۲۴

بازهم درمورد سازمانیابی سراسری کارگران!

چندماه پس از طرح تجمع تشکلهای موجود کارگری برای تشکیل کنفدراسیون سراسری کارگری، باردیگر از زندان دعوتی توسط کارگران شاهرخ زمانی، محمدجراحی و بهنام ابراهیم زاده صادرشده و مجددا تاکید گذ اشته و نظرخواهی کرده اند.

حزب رنجبران ایران در زمانی که ثقفی با چند فعال کارگر اقدام به این درخواست کرده بود، ضمن تاکید روی ضرورت مبرم ایجاد تشکل کارگری، یادآوری کرد که درشرایط فقدان حزب کمونیست واحد دست زدن به چنین اقدامی مواجه با ناکامی خواهدشد به دلیل شیوع و نهادینه شدن فرقه گرائی که خود طبقه کارگر ایران نیز اخلال آن را درایجاد «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجادتشکل کارگری» توسط فعالان دیگر دیده وانشعابات یکی پس ازدیگری درآن حرکت ایجادشد، نشان داد که فرقه گرایان تشکل کارگری را نه برای کارگران، بلکه برای خود می خواهند و تضادهای واقعی موجود را تا بدان حد حاد می کنند که نهایتا فعالیت مشترک را ازدست می دهند.

آیا شکست آن حرکات باعث جمعبندی و نقدی شده که می توان امیدواربود که این بارتلاش برای تشکل سراسری کارگری برای حل معضلات کارگران و نه براساس ارزیابی این یا آن حزب و افراد مدافع طبقه کارگرآگاهانه تر صورت بگیرد؟ اگرشده باید به آن تبریک گفت! و بدون کوچک ترین تردید درجهت درخواست این کارگران مبارز زندانی دست به کارشد.اما اگر به تاریخ جنبش کارگری ایران رجوع کنیم، اولا سازمان یابی سراسری کارگران درابتدا توسط حزب کمونیست ایران صورت گرفت چون که بانفوذ کمونیستها درجنبش کارگری زمینه برای ایجاد

بقیه در صفحه دوم

پناهنده گان!

موج جدید از هجوم پناهندگان ولی این بار از خاورمیانه و مشخصا از سوریه به طرف اروپا به راه افتاده است صحبت از بیش از ۱۰۰ هزار نفر است این موج جدیدی که ابتدا از راه لیبی به طرف ایتالیا شروع شده بود و با غرق دهها کشتی حامل پناهندگان کمی فروکش کرده بود با باز شدن راه از اروپای شرقی و یونان مجددا سربلند کرده است . در این میان غرق شدن یک خانواده و پیدا شدن جسد خفه شده کودک سه ساله خانواده سوریه ای موجی از احساس همدردی را در بین مردم جهان برانگیخت . و ظاهرا باعث شد که رهبران اروپا در سیاست پناهنده پذیری خود تغییراتی هر چند موقت بدهند . دولت های اروپائی ناگهان تصمیم به پذیرش این موج عظیم پناهنده در ابعاد هزاران نفری به کشورهای گوناگون اتحادیه اروپا شدند . خانم آنجلا مرکل در توضیح این سیاست بعد از توجیهات انسان دوستانه و حقوق بشری گفت که " پناهندگان می توانند کمک شایانی به بازار کار و تولید آلمان بکنند " بالاخره دُم خروس بیرون زد . اما این فقط یک چشمه از هزاران سیاست های پلید و خانمان برانداز امپریالیست های اروپائی و آمریکائی علیه مردم خاورمیانه و آفریقا است براستی موضوع واقعی این موج جدید پناهندگان چیست.؟

موج تازه تهاجم امپریالیستی به کشورهای خاورمیانه و آفریقا بعد از فروپاشی شوروی دلایل چندی را داراست .بعد از فروپاشی شوروی بلوک های جدید قدرت در سطح بین المللی در حال شکلگیری است بلوک غرب با تشکیل اتحادیه اروپا و بلوک(آمریکا ، انگلستان ، کانادا و استرالیا بطور اساسی) در جناح غرب و تشکیل گروه شانگهای و بریکس

بقیه در صفحه سوم

به مناسبت جان باختن کارگر مبارز شاهرخ زمانی

درهرجا که مبارزه هست، قربانی نیز وجود دارد و مرگ انسان امری طبیعی است. ولی ما به منافع خلق و رنجهای اکثریت عظیم خلق میاندیشیم و چنانچه جان خود را بخاطر خلق ازدست بدهیم، مرگ ما مرگی ارزنده خواهدبود. معذالک مابابد باتمام قوا بکوشیم تا حتی الامکان ازشمار قربانیان غیرلازم کاسته شود.

انسان ناگزیرمیمیرد، ولی مرگها دارای ارزش مساوی نیستند. مرگ بخاطرمنافع خلق سنگینتر از کوه "تای" است، ولی خدمت به فاشیستها و مرگ بخاطرمنافع استثمارگران و ستمگران سبکتر از پر قو است . (مائو)

امروز به طور باورنکردنی باخبرشدیم که دستهای خون آلود و جنایتکار رژیم

بقیه در صفحه چهارم

ناامنی ها! درمقابل تامین دزدیها!

۱۹ درصد جمعیت سیستان و بلوچستان گرفتار نا امنی غذایی هستند ، کم وزنی، کوتاهی قد و سوء تغذیه در استان

رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان خاش از کم وزنی، کوتاهی قد و سوء تغذیه به عنوان معضلی جدی و تهدید کننده سلامت فردی و اجتماعی ویژه جامعه خاش و سیستان و بلوچستان یاد کرد و افزود: در این موضوعات بدترین استان در کشورمان سیستان و بلوچستان بوده که از لحاظ پایین بودن شاخص ها رتبه نخست را داریم.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)- منطقه سیستان و بلوچستان، دکتر پرویز براهویی در نشست اعضای کارگروه سلامت و امنیت غذایی شهرستان

بقیه در صفحه چهارم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

باز هم در مورد سازمانیابی...
بقیه از صفحه اول

حزب کمونیست فراهم شد. تشکیل شورای متحد مرکزی کارگران ایران نیزتوسط حزب توده ایران سازمان داده شد و درک دلیل این امر هم چندان مشکل نیست چون که اقدام ایجاد تشکل کارگری باداشتن وحدت نظر درمورد برنامه فعالیت چنین تشکلی متکی بر خواستهای موجود جمع کارگران بدان معنا بود که کنترل کارهای پیشبردآن را نیز تضمین می کردند، لذا ایجاد چنان تشکلی ازگام اول با این مشکل روبه رو نمی شود. اما باوجود تشتت فکری و سازمانی بعداز انقلاب ۱۳۵۷ و باوجود رشد جنبش کارگری درایجاد حتا شوراهای کارگری، ولی فقدان وحدت نظری و حزب واحد کارگری این جنبش فعالیتش تدریجا به دلیل سرکوب روبه تضعیف گذاشت درحالی که پیروزی انقلاب ثمره ی اعتصابات کارگری و مشخصا کارگران نفت بود. تشتت فکری کنونی و نفوذی که کم و بیش تشکلهای سیاسی می توانند در میان تشکلهای کارگری موجود تا اندازه حداقلی داشته باشند، انواع و اقسام پدیده های ارتجاعی و ازجمله تلاش برای رهبری «تشکل خودی» جمعی ظاهرشده و هژمونی طلبی پابه عرصه ی وجود می گذارد. آن هم درزمانی که استحکام لازم را این تشکل هنوز به وجودنیاورده است.

ثانیا عدم تلاش برای سازماندهی حزبی و صنفی طبقه کارگر به بهانه ی فقدان وجود حزب طبقه کارگر معقول نیست چراکه این دو نوع سازماندهی طبقه کارگر لازم و ملزوم یک دیگرند. اما مسئله برسر اتخاذ سیاستی است که زودتر به نتیجه برسد که همان طور که دربالا گفته شد وجود حزب سیاسی واحد پیشرو طبقه کارگر تضمینی جدی می باشد. و اما درعمل این بدان معنا است که برای حل معضل سازماندهی سراسری کارگری، چنانچه خودتشکلهای کارگری موجود پیش قدم شده و بعداز مذاکره باهم و رسیدن به توافق برسرنکات کلی و همه گانی برای مخالفت با تعیین حداقل مزد توسط گروه سه جانبه غیرنماینده کارگران، تعیین حداقل مزد سالانه و مبارزه مشترک تمامی کارگران برای کسب آن(٤ برابر حداقل مزدکنونی)، بیمه شدن کلیه کارگران و قطع مداخله و حذف دست دولتیان از بانک تامین کنترل بیمه کارگری وسپردن به دست خودکارگران، حق تشکل کارگری بدون دخالت دولت و جرم بودن زندانی کردن کارگران به این دلیل، ایجاد مسکن برای کارگران و پایان دادن به وضع ناهنجارکنونی که بیش از یک سوم تا نصف مزد کارگران فقط برای پرداخت اجاره کرایه خانه داده می شود. آموزش مجانی برای کودکان کارگر و نهایتا هماهنگی اعتصابات کارگری به ویژه برای درخواستهای مشخص و... به مثابه نقطه شروع وحدت عمل و تشکل هرچه سراسری تر بهتر. مبارزه مشترک برای خواستهای کارگری عام ، اقدام به متحدشدن بنمایند، آن وقت دعوت رفقای کارگر زندانی ذهنی نبوده و بسیار ضروری و مفید هم خواهدبود. ولی تا آنجا که به تشکلهای سیاسی موجود برمی گردد، ما چنین موضعگیری ای از احزاب چپ و حتا تشکلهای صنفی ازجمله درنفی و رد فرقه گرائی مشاهده نکرده ایم!

بنابراین ضرورت و مبرمیت را ما روی وحدت اصولی نیروهای سیاسی چپ مدافع کمونیسم علمی قرار داده و از کلیه ی کارگران آگاه می خواهیم تا انزجارخود را از وجود این همه فرقه چپ اعلام نموده و برای چه گونه رسیدن به وحدت حزبی این تشکلها پیشنهاد خودشان را بدهند. ازجمله با دیگرتشکلهای کارگری برسر خواستهای کارگری به اهداف مشترکی برسند و دراین راستا فرقه گرائی رانیز تردکنند.

مابارها طبق آموزش کمونیسم علمی «وحدت اصولی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک»(لنین) را شرط ضرور برای متحد شدن کمونیستها ذکرکرده و برای تحقق آن تلاش نموده و نهایتا بعد از بیش از دهها سال طرح این مسئله و سکوت تشکلهای چپ، به این نتیجه رسیده ایم که حزب کمونیست، حزب پیشروطبقه کارگر است و به همین دلیل درک اصول کمونیسم علمی توسط کارگران آگاه به مراتب آسان تراست. درعین حال اگر قراراست این حزب ایجادشود نمی توان با تکیه به افرادی که عمده تا ازطبقات و اقشار غیرپرولتری هستند، حزب پرولتری ساخت. البته درصورت ایجاد حزب واحدکمونیست افراد غیرپرولتر با فعالیت دردرون حزب کارگری می توانند تربیت شوند، اما قبل از آن، آنها حامل موضع طبقاتی غیرپرولتری بوده و با خواندن نقطه نظرات کمونیسم علمی قادر به درک عمیق آنها نمی شوند و درتاریخ دیده ایم که انواع و اقسام انحرافات در احزاب کمونیست مغایر با آموزش کمونیسم علمی بروزکرده است که خطرناک ترین انها رویزیونیسم کهن، مدرن، سه جهانی و امروزی است که طبقه کارگر را به تفرقه سازمانی سختی دچارنموده است. به همین دلیل داشتن «موضع، نقطه نظر و اسلوب مارکسیست ـ لنینیستی»(مائو) شرط لازم اتخاذ تدابیر درست سازمان یابی طبقه کارگر می باشد.

به این اعتبار ما ازکلیه ی فعالان کارگری آگاه و متعهد به نقطه نظرات کمونیسم علمی درخواست می کنیم قدعلم کرده و علیه فرقه گرائی به مبارزه پرداخته و وحدت کمونیستها راشرط اولیه برای حرکت پیروز مبارزه طبقاتی طبقه کارگر اعلام نمایند. و آن گاه خود درامر ساختن حزب پیشقدم شوند. طبعا طی این حرکت امر وحدت دهی تشکلهای توده ای کارگری رانیز پیش ببرند.

****

ضمنا درپایان این نوشته ما نفرت خود را از اخراج راننده گان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آقایان رضا شهابی، حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصرمحرم زاده، حسین کریمی سبزوار و خانم فرحنازشیری عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام نموده و خواستار برگشت فوری و بدون قید و شرط آنان برسر کارخود شان هستیم.

درعین حال اخراج و بلاتکلیفی ۳۵ تن ازکارگران کارخانه پردیس سرام از یک ماه پیش به بهانه ی رکودبازارفروش محصولات و اخراجهای دیگرکارگران که به بهانه ی فقدان موادخام یا به فروش نرفتن تولیدات کارخانه بسیار را یج شده است وهم چنین بازداشت محمود باقری از اعضای هیئت مدیره «کانون معلمان ایران» و محمد رضا نیک نژاد و مهدی بهلولی ازفعالان صنفی معلمان را نمونه آشکار تشدید سرکوب افراد مبارز توسط دولت جمهوری اسلامی دانسته و آزادی آنان رانیز فورا و بدون قید و شرط خواستاریم. هم چنین دفاع از حقوق پایمال شده پرستاران و «اخراج ٤ پرستار اعتصابی بیمارستان امیراعلم، تحقیر کارپرستاران توسط وزیر بهداشت به عنوان آمپول زن»(به نقل از ازاعلامیه مهدی فراحی شاندیز، سعیدشیرزاد، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمدجراحی، امیر امیرقلی ۱۳۹٤/٦/۱۱) را محکوم کرده و آزادی فوری آنان را خواستاریم.

حزب رنجبران ایران ـ ۱۰ شهریور

توافقات تشکلهای کارگری درمورد خواستهای اساسی فوری مقدمه تشکل سراسری

پناهندگان

بقیه از صفحه اول

متشکل از چین و روسیه و هند و آفریقای جنوبی و برزیل و....) در جناح شرق .رقابت های بلوک بندی های جدید را بشدت تشدید کرده است دلیل آنهم عقب ماندن بلوک غرب از شرق دررشد اقتصادی و رسیدن تکنولوژی شرق به غرب است از یک سو و رشد بازار اسلحه و گرفتن سهم بیشتر بلوک شرق از این بازار در طی ۳۰ سال گذشته است . با اینکه بلوک شرق در حال رشد و گسترش بسیار سریعی است و آینده را متعلق به خود می داند ولی در حال حاضر بلوک غرب همچنان در بسیار موارد ناشی از تاریخ گذشته شان دست بالارا دارند . در این رقابت ها بلوک شرق از نیروی کار ارزان و تولید ارزان کالا و نیز سطح زندگی پائین تر نیروی کار در کشورهایشان سود می برند در حالیکه بلوک غرب از ساختارهای گذشته جهانی تحت نظارتشان مثل بانک جهانی، سازمان ملل، کمپانی های معظم مالی صنعتی و نیز بازارها و مواد خام کشورهای نیمه پیرامونی و پیرامونی خود برخوردارند. اما این پارامترها در هر دو بلوک های جهانی در حال تغییر هستند . غرب با تهاجم به خاورمیانه و آفریقا سعی به تحت کنترل گرفتن منابع طبیعی و مواد خام و بازارها این کشورها و نیز جلوگیری از حضور و ورود اقتصادهای نوخاسته مثل چین و هند به این مناطق است . ولی این سیاست های کلی بطور مشخص پای اکثر کشورهای جهان و بویژه خاورمیانه را در له و یا علیه یکی از بلوک های قدرت و منافع آنها به منطقه باز کرده است . از ایران تا آمریکا و عربستان و ترکیه و اردن و اتحادیه اروپا و روسیه و همه و همه درگیر یک جنگ خونین همه جانبه مخفی و علنی ، نظامی و اطلاعاتی و غیره هستند که نتایج آن خشونت های بی در و پیکری است که بربریت انسانی را بازسازی کرده است و به جان مردم کشورهای جهان سوم بخصوص شاخ آفریقا و خاورمیانه انداخته است . این سطح از خشونت ناشی از سطح رقابت ها جناح های مختلف قدرت در سطح جهانی و منطقه ای است . داعش و القاعده و بوکوحرام و دهها سازمان های مزدور و مرتجع ساخته شده توسط امپریالیست ها و نوکران منطقه ای شان ناشی از همین رقابت است . متاسفانه بعلت نبود یک نیروی رهبری کننده صحیح و آگاه سیاست ویرانی جوامع جهان سومی در برخی مناطق به پیش برده شده است اما این شکست هنوز کامل نشده است در نتیجه غرب اگر نتوانسته که بازار کار داخلی را کنترل کند ولی با نیروی کار آن می تواند مسائلی را از جمله به عنوان نیروی کار ارزان در داخل کشور خود حل کند .

حضور هزاران پناهنده به عنوان نیروی کار ارزان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری از یک طرف و نیز سازماندهی این نیروی تازه وارد از کشورهای در حال جنگ می تواند با امکانات و آموزش هایی که در کشورهای امپریالیستی بطور مستقیم و غیر مستقیم داده می شود به یک اپوزیسیون دست آموز تبدیل شود که قادر خواهد شد به نیروی ذخیره برای دخالت های بیشتر با پشتوانه انسانی در مناطق برای نفوذ و دخالت بکار گرفته شود و بالاخره این نیروی جدید می تواند به یک کاست فرو افتاده اجتماعی تبدیل شود که به اهرم فشاری به طبقه کارگر این کشورها و جدائی های اجتماعی ، تحت عنوان گروه های قومی بیانجامد . مجموعه ای از مسائل و منافعی که بر شمردیم باعث شده است که دولت هایی که نقش مستقیم در کشت و کشتارهای خاورمیانه چه بصورت فرستادن اسلحه و پول و دخالت های تروریستی و .... داشته اند ناگهان خواب نما شده و صحبت از حقوق بشر و دلسوزی های فریبکارانه نمایند . اما حنای آنها برای مردم جهان دیگر رنگی ندارد و نه تنها مردم خاورمیانه و آفریقا بلکه حتی مردمان کشورهای پیشرفته هم با تلاطمات جدید و بحران ساختاری سرمایه داری به سوی سیاست جلب شده اند و این رهبران را می شناسند . مردم جهان بخوبی می دانند که در پشت جنایت های گروه های اسلامی ،داروسته های امپریالیستی خوابیده است که با سازمان های اطلاعاتی ، خرید نفت و کمک های علنی و غیر علنی نظامی و غیره این جنایتکاران را برای به فلاکت کشیدن بیشتر این جوامع تشویق و ترغیب می کنند . آیا سه سیاست بالا یعنی سازماندهی نیروی کار ارزان ، سازماندهی اپوزیسیونی مطیع و سازماندهی اهرم فشار داخلی اجتماعی از این پناهنده گان می تواند با موفقیت انجام شود ؟

۱ـ در رابطه با نیروی کار ارزان باید گفت که بعلت حاکمیت طولانی و ورود فوق سود امپریالیستی به این جوامع و بالا بودن ارزش نیروی کار ، ورود این تعداد پناهنده به یک باره به بازار این کشورها امکان پذیر نیست . ولی در مرحله اول می تواند ارزش نیروی کار فیزیکی را کاهش دهد چرا که به تخصص احتیاج نداشته و بدون یادگیری زبان وارد بازار کار شود اما نه سرمایه داری در این کشورها و نه نیروی پناهنده این کشورها قادر به قبول و ورود به بازار کار متخصصین نیستند . در نتیجه تا دوره ای ارزش نیروی کار متخصص در این کشورها همچنان بالا خواهد بود . ولی روشن است که پذیرش این تعداد پناهنده نیروی متخصص کشورهای فقیر و ضعیف را تشویق به ترغیب و خالی کردن کشورهای خود از نیروی متخصص می کند .

۲ـ موضوع بعدی سیاستی است که بیش از یک دهه است که کشورهای امپریالیستی بویژه غرب در پیش گرفته است و آنهم پذیرش نیروهای اسلامی و دادن امکانات و باز گذاشتن دست رهبران آنها برای کار در بین پناهندگان با هدف نفوذ و تاثیرگذاری های فکری و فرهنگی و سیاسی و سازماندهی گروههای مرتجع و تروریست از کشورهای جهان سومی است . آنها در برخی مواقع بصورت غیر مستقیم با قوی کردن مالی این گروهها و باز گذاشتن دست دولت های مرتجع مثل عربستان و ترکیه و ایران برای ساختمان مسجد و مدارس مذهبی در کشورهای خودشان گروههایی را دربین جوانان این کشورها (جوانان حتی نسل های بعدی پناهندگان به دلایل زیادی دارای انگیزه های شورشی هستند) به دور رهبران مذهبی جمع کرده و یا با ورود به مسئله خود کمک های نقدی را در اختیار آنها می گذارند .این سیاست هم در بسیاری از مواقع نتایج خوبی برای دولت های امپریالیستی به بار آورده و حضور این پناهندگان بعلت عدم حضور یک نیروی سازمان یافته آگاه می توانند به گوشت دم توپ این سیاست تبدیل شوند .

۳ـ حضور هزاران پناهنده به عنوان نیروی ذخیر و ارزان کار در زمانی که خود کشورهای اروپائی و آمریکائی در بحران اقتصادی هستند و وضع هنوز به روال عادی برنگشته است و بیکاری حداقل از ۵ در صد به بالا است ، رقابت را در بین نیروی کار بخاطر داشتن کار و حداقل در آمد و در بین شهروندان بعلت ناهماهنگی های فرهنگی و رفتاری (بویژه همراه تبلیغات شووینستی حاکمان) تشدید و به تضادهای کور دامن بزند که جلوی مبارزه متحد علیه سرمایه و حاکمیت سرمایه را بگیرد .در این مسئله هم نبود یک نیروی آگاه و فعال در کشورهای پیشرفته و حضور رهبران و روحانیون مرتجع در بین پناهندگان می تواند اجرای این سیاست ها را برای امپریالیست ها آسان تر کند اما سوی دیگر انسان هائی هستند که از جنگ

جنگهای امپریالیستی عامل اصلی پناهنده گی هستند

و بی حقوقی و آوارگی خسته شده اند و به امید دنیائی برای یک زندگی حداقل انسانی حاضر به تن دادن به هر خطری هستند ولی هیچ چاره ای برایشان بغیر از فرار از وضعیت مصیبت بار کنونی نمانده است . و همانهائی که این بلا را بر سر آنها آورده اند این بار در لباس منجی به پذیرش آنها برای ادامه سیاست های جنایت بارشان به صورتی دیگر ظاهر شده اند.

روزانه دهها و صدها پناهنده یا غرق و یا توسط پلیس کشته می شوند ، کتک می خورند به زندان می افتند و حرمت انسانی آنها به زیر پای گذاشته می شود و تمام تلاش ها در سمت و سوی قبول آنها با تحقیر به پیش می رود آنهم پذیرش معلق وار و برای مدتی طولانی تا احساس امنیت اجتماعی از آنها گرفته شود و برای پیدا کردن تامین در جامعه جدید به هر قانون نابرابری هم گردن بگذارند .و در این بیداد عظیمی که بر آنها می رود .دردی که به اشکال و شیوه های گوناگون بر اکثریت جوامع انسانی روا داشته شده . درد ستم و استثمار و نابرابری انسان ،درد مشترکی که فقط می تواند با همبستگی و اشتراک کل بشریت آگاه ، مترقی و سازمان یافته درمان یابد و این هیچ چیز نیست مگر سرنگونی نظام سرمایه داری و برپائی سوسیالیسم ..

غ.ع. ۲۰۱۵/۹/۱۳

به مناسبت جان باختن کارگر مبارز شاهرخ زمانی . بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی زنده گی مبارزاتی درخشان رفیق کارگر شاهرخ زمانی را از وی سلب کرد. شاهرخ نشان داد سر بلندانه دربرابر زورگوئیهای شکنجه گران رژیم اسلامی چون کوهی استوار ایستاده است که طبق دستور بی اخلاقان قاتل فوق جز پرونده سازی و تلاش مذبوحانه در ایجاد خفقان و دست زدن به هرشکنجه پست و پلیدی درخدمت نظام ارتجاعی اعم ازکشتار جوانان بالغ نشده و قتل عام انسانهای مبارز نبوده و ضحاک وار آنرا پیش برده و هیچ بوئی از انسانیت درقرن کنونی دراحترام به حق زنده گی انسانها نبرده اند.

رفیق کارگر جان باخته ما طی اسیربودن لحظه ای از خدمت به جنبش و پیشروی کارگران درمبارزه طبقاتی باز نایستاد و نمونه ای درخشان درتاریخ مبارزات کارگری گردید. و همین پافشاری بود که دشمنان حاکم ضد کارگر را واداشت تااین فرزند شکست ناپذیر و آگاه طبقه کارگر را ازبین ببرند و براساس اولین خبرهائی که به دستمان رسیده برای نشان دادن وحشیگری رژیم ضروری است پزشک قانونی بامعاینه ی علت مرگ درشرایطی که وی از نعمت سلامتی برخورداربود و چهره ی خندان و بشاش وی نشان از شکست ناپذیری وی داشت معلوم شود که آنچه در زندان می گذرد سیاست ازبین بردن تدریجی مبارزان است و ادامه ی سیاست کشتار تابستان دهه ی ۶۰ . به همین علت فراخوان دادن به کارگران و زحمت کشان جهان و پافشاری در دفاع از حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی را باید دوچندان کنیم و نگذاریم انقلابیون مبارز درزندانها زجرکش شوند و بدین وسیله توطئه ی رذیلانه ی مشتی ضدبشر حاکم درنابود کردن انسانهای مبارز ایران به تحقق برسد.

هردَم ستاره ای به زمین می کَشند و باز
این آسمان غمزده غرق ستاره است.

یاد رفیق جان باخته شاهرخ زمانی گرامی باد فقدان وی را به خانواده اش تسلیت گفته و غم ازدست دادن وی را به نیروی ادامه مبارزه تبدیل کنیم

از آموزشهای شاهرخ زمانی برای متحد شدن کمونیستها، اتحاد کارگران و کلیه ی زحمت کشان بیاموزیم و فرقه گرائی پست و پلید را بدوربریزیم.

مقاومت قهرمانانه ی وی را درمبارزه با دشمنان طبقه کارگر به کاربریم

حزب رنجبران ایران
۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵ -
۲۲ شهریور۱۳۹۴

ناامنی ها! درمقابل تامین دزدیها!

بقیه از صفحه اول

خاش افزود: ۱۹ درصد جمعیت سیستان و بلوچستان گرفتار نا امنی غذایی هستند. (آینه روز ۲۰۱۵/۸/۲٤)

قاتل علی چراغی، کارگری که توسط ماموران شهرداری کشته شد از اتهام قتل عمد تبرئه شد

به دنبال انتشار خبر تبرئه ضارب علی چراغی از اتهام قتل عمد، خانواده وی از این پیش آمد ابراز تعجب کرد.

«محمد چراغی» برادر علی چراغی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: باخبر شدیم که بعد از جلسه روز یکشنبه دادگاه رای به تبرئه ضارب از جرم قتل عمد داده است.

وی گفت: فکر می‌کنم دادگاه باید مدارک مستند پزشکی قانونی و گفته های شاهدان ماجرا و شرح حادثه بار دیگر با دقت مطالعه کند زیرا حکم تبرئه ضارب از جرم قتل عمد با توجه به شرح حادثه برای همه تعجب‌آور بود.

چراغی با بیان اینکه در مدارک پزشک قانونی استفاده از جسم سخت، مشابه پنجه بوکس ذکر شده است، افزود: به استناد مدارک پزشکی در بیمارستان امام حسین(ع) بعد از عمل مشخص شد بر اثر ضربه‌ای که به سر مرحوم چراغی وارد شده بود، جمجمه به حدی آسیب دیده که قابل پیوند نبوده و همین ضربه باعث ۳ سانت بریدگی در سر مرحوم شده است.

برادر مرحوم چراغی افزود: صدور این حکم نشان از در نظر نگرفتن توضیحات شهود و مدارک مستند پزشکی قانونی که مبنی بر عمدی بودن مرگ مرحوم چراغی است صورت پذیرفته است.

وی به عنوان وکیل تام خانواده چراغی بیان کرد: صدور این حکم نشان از پذیرفتن سخنان ضارب پرونده مبنی بر ضربه مشت بر سر مرحوم چراغی توسط قاضی است چطور ممکن است ضربه دست باعث چنین آسیب دیدگی که باعث خرد شدن جمجمه و مرگ شود صورت گرفته باشد؟

وی گفت: ضارب در اعترافات خود بیان کرده که بوکسور بوده است و با ضربه‌زدن به گیجگاه برادرم باعث مرگ او شده است.

به گفته برادر مرحوم چراغی ساعت ۱۰:۳۰ صبح ۳۱ مرداد جلسه ای تشکیل شد که در آن مدارک و گفته‌های شهود بررسی شد و جلسه ساعت ۱۲ ظهر به اتمام رسید، در کمال ناباوری بعد از اتمام جلسه قاضی حکم را صادر کرده است.

جان زمانی گرفته شد اما عقاید وی ماندنی هستند

محمد چراغی تاکید کرد: طبق اسناد موجود و اظهار آقای عبداللهی (معاونت خدمات شهری که پس از مرگ مرحوم چراغی برای دلجویی به منزل پدر مرحوم چراغی آمده بود) ضربه وارده، ضربه پنجه بوکس بوده است.(آینه روز - ۲۰۱۵/۰۸/۲۴) [دادگاه بدون داد مشهور به دادگاه بلخ درایران سالهاست برقراراست و دادستانهائی نظیر آن شیخ الدنگ مقیسه وجدان دفاع از حقوق انسانی را سالهای سال است که سه طلاقه کرده اند و پایمال کردن حق کارگران و زحمت کشان را درصدر وظایف خودقرارداده اند- رنجبر]

تولید میوه‌ها وسبزی‌های سرطان‌زا / ۸۰ درصد فاضلاب‌های خانگی وارد زمین‌های کشاورزی می‌شود

فرارو- رئیس ستاد محیط زیست شهر تهران اخیرا گفته ۸۰ درصد فاضلاب‌های خانگی رهاسازی و وارد زمین‌های کشاورزی می‌شود. علی‌محمد شاعری همچنین می‌گوید ۳۰۰ میلیون متر مکعب از روان آب‌های خروجی شهر تهران به مصارف مستقیم کشاورزی می‌رسد و ۳۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی جنوب تهران با آب‌های آلوده آبیاری می‌شوند.

به گزارش فرارو، ورود فاضلاب‌ها به اراضی کشاورزی موضوعی قدیمی است که مختص تهران نیز نمی‌شود. بسیاری از شهرهای دیگر هم با این مسئله درگیر شده‌اند. آبیاری مزارع سبزیجات در اصفهان و چهارمحال بختیاری چندین‌ماه پیش منجر به ابتلای برخی از مردم به اسهال شده بود. رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی استان اردبیل نیز چندی‌پیش گفته بود در برخی شهرهای استان اردبیل از فاضلاب خام و تصفیه‌نشده استفاده می‌شود. همچنین مدتی پیش زمزمه رهاشدن فاضلاب از شهر پردیس در شرق تهران به سمت زمین‌های زراعی جنوب آن به گوش می‌رسید.مسئولان در برابر نگرانی‌ها برای آبیاری زمین‌های کشاورزی با فاضلاب از کاهش آن سخن می‌گویند. کاظم ندافی – رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت- سال گذشته گفت: آبیاری مزارع با فاضلاب خام ۷۰ درصد کاهش پیدا کرده است. او همچنین گفته تا سال ۸۹، ۸۸۱۹ هکتار از زمین‌های کشاورزی کشور با فاضلاب خام آبیاری شدند اما تا پایان سال ۹۲ با اقدامات وزارت بهداشت سطح این مزارع به ۲۵۰۰ هکتار کاهش پیدا کرد.

جلوگیری از ورود آب فاضلاب به زمین‌های کشاورزی سال‌هاست در دستور کار قرار دارد. بر اساس مصوبه سال ۱۳۸۵، وزارت جهاد کشاورزی مکلف شده با همکاری وزارت نیرو اقدامات لازم برای رفع مشکل آبیاری مزارع سبزی‌کاری با فاضلاب خام را با الویت در استان‌های تهران، لرستان و خراسان به اجرا درآورد. براساس تصویب‌نامه سال ۸۶ نیز مقرر شده تا استانداری‌های سراسر کشور با همکاری وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از آبیاری مزارع با فاضلاب تصفیه‌نشده جلوگیری کنند. همچنین اوایل امسال استاندار تهران با هشدار به مزارعی که در آن‌ها صیفی‌جات با آب فاضلاب آبیاری می‌شوند گفته بود "براساس مصوبه شورای تامین و تایید وزارت بهداشت هرکجا زمین زراعی با فاضلاب آبیاری شود تخریب می‌شود.»

بااین‌وجود همچنان باز هم شاهد ورود فاضلاب به زمین‌های کشاورزی جنوب تهران بوده‌ایم. نمایندگان مجلس با اعتراض به این وضعیت معتقدند باید با اقدامات سازمان‌های مربوط آن‌هم به شیوه‌ای درست جلوی این مسئله گرفته شود.

محمدرضا امیری‌کهنوج – عضو کمیسیون کشاورزی آب و منابع طبیعی- درباره رسیدگی به این وضعیت گفته "سازمان بازرسی وزارت بهداشت و درمان باید جلوی اقدامات غیرقانونی کشاورزان را گرفته و اجازه آبیاری با فاضلاب را به آن‌ها ندهد". مسعود پزشکیان – عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس- نیز درباره وضعیت نامناسب آب و فاضلاب کشور و استفاده از فاضلاب‌ها برای آبیاری زمین‌های کشاورزی می‌گوید "در اینکه وضعیت آب و فاضلاب‌ها استاندارد نبوده شکی نیست اما مشکل به نداشتن نقشه جامع تصفیه فاضلاب مربوط می‌شود و اصلاح سیستم آبیاری و تصفیه فاضلاب باید در برنامه ششم توسعه مورد توجه قرار بگیرد".

درحالی‌که این مسئله نیز همچون خیلی مسائل دیگر با مشکلات همیشگیِ عدم رسیدگی و بی‌توجهی روبروست، هر روز مردم زیادی از سبزیجات و صیفی‌جاتی می‌خورند که با آب فاضلاب به عمل آمده‌اند. این محصولات کشاورزی به تایید تمام پزشکان آلوده‌اند.

معاون امور بهداشتی وزیر بهداشت چندماه پیش گفت در تحقیقی که در میدان تره‌بار تهران انجام شد، مشخص گردید درصد بالائی از سبزی‌ها به فلزات سنگینی نظیر سرب، کادمیوم و نیترات آلوده هستند.

دکتر مسعود مردانی – متخصص بیماری‌های عفونی- درباره محصولاتی که با آب فاضلاب به عمل آمده‌اند گفته امکان ابتلا به وبا، دل‌درد شکمی، تب اسهال و عفونت با خوردن این سبزیجات و صیفی‌جات وجود دارد. همچنین دکتر حسین خدمت – فوق متخصص گوارش و کبد- می‌گوید به‌هیچ‌وجه نباید از چنین سبزیجاتی استفاده کرد. به‌این‌دلیل‌که در فاضلاب شهری و انسانی نیترات وجود دارد که می‌تواند سرطان‌زا باشد. پختن این سبزیجات نیز آلودگی آن‌ها را از میان نمی‌برد. به گفته این پزشک سرطان معده شایع‌ترین سرطانی است که ناشی از آبیاری مزارع با آب فاضلاب است.

عدم رسیدگی سریع و به‌موقع به آبیاری مزارع با آب فاضلاب این سئوال را ایجاد می‌کند که آیا سلامتی مردم برای مسئولان مهم است؟ چرا با وجود اطلاع از تبعات خوردن محصولات رشدیافته با پسماند فاضلاب همچنان شاهد آبیاری بخش زیادی از مزارع با آن هستیم؟(آ.ر. در تاریخ ۲۴ / ۰۸ / ۲۰۱۵)

کارگرانی که شبانه اخراج می شوند
کارخانه سیمان کارون

شبح بیکاری و اخراج همواره بر فراز سر کارگران موقت (کارگرانی که قراردادهای شغلی موقت دارند) در حال پرواز است. با این نوع قراردادها، امنیت شغلی و امید به آینده، کاملا بی معناست. باید گفت عقد قرارداد موقت به معنای بیکاری پنهان است، بیکاری و اخراجی که همیشه در کمین نشسته، با کوچکترین تلنگر به رونق بازار کسب و کار، کارگران موقت به راحتی قربانی می شوند.

بر طبق آمار رسمی، بیش از ۹۵ درصد کارگران دارای قرارداد موقت هستند و از این میان بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد قراردادهای کار، کوتاه مدت از یک‌ماه تا سه ماهه است. این مساله دست کارفرماها برای تعدیل نیرو و اخراج کارگران را باز گذاشته، حتی در صنایع و واحدهای تولیدی که ماهیت دائمی دارند، کارگران با قراردادهای موقت مشغولند. تمدید قرارداد این کارگران بسته به میزان سود و زیان مقطعی واحدهاست، با هر نوع کاهش و افول سود، بخشی از این کارگران به سادگی بیکار می شوند. به عنوان نمونه، ایلنا از اخراج ۳۹کارگر قرار دادی کارخانه «سیمان کارون» در خوزستان به دلیل اتمام قرارداد کاری، با دو ماه حقوق معوقه خبر داد. به گزارش منابع خبری ایلنا، شب ۳۱ مرداد ماه به حدود ۳۹نفراز کارگران قراردادی شاغل در کارخانه سیمان کارون در شهر کلگیر شهرستان مسجد سلیمان اعلام شده است به دلیل اتمام اعتبار قرار

شکست ناپذیری کارگر آگاه رمز پیروزی نهائی آنان است

داد کارشان دیگر برای آن‌ها در این واحد صنعتی شغلی وجود ندارد.
به گفته این منبع خبری، این واحد تولید کننده سیمان بیش از ۳۲۰ کارگر رسمی، قراردادی و پیمانی مشغول به کار هستند که هر کدام از آنان دو ماه حقوق طلب دارند.
کارگران قرار داد ی هم با سوابق یک تا ۱۵ سال زیر مجموعه یک شرکت پیمانکاری تامین کننده نیروی انسانی کار می‌کنند.
به ادعای کارگران قرار دادی سیمان کارون، پیش از این – اول شهریور ماه سال ۹۳- تعداد ۶۵ نفراز کارگران قراردادی شاغل در کارخانه سیمان کارون به بهانه اتمام قرار داد کاری اخراج شده بودند که ۲۹ نفر(که اسامی آنان در لیست اخراج امروز نیز است) بعد از پی گیری از نهادهای دولتی مستقر در استان همچون استانداری، فرمانداری، اداره کار و اعضای شورای شهر «گلگیر» در اوایل مهر ماه سال ۹۳ مجددا به کارشان بازگشتند.
منابع کارگری همچنین به ایلنا گفتند از دو ماه پیش فعالیت تولیدی کارخانه سیمان کارون محدود شده و کارفرما به اجبار حدود ۲۵۰ نفر از کارگران خود را به مرخصی اجباری فرستاده است.
کارگرانی که مرخصی اجباری می گیرند یا شبانه اخراج می شوند،ناگزیرند تاوان کسادی بازار صنایع و زیاده خواهی ها را با بیکاری خود بپردازند. بار مشکلات روزافزون اقتصادی، همچنان بر دوش کارگران و طبقات فرودست جامعه، سنگینی می کند.(در تاریخ ۲۴ / ۰۸ / ۲۰۱۵بوسیله اینه روز)

روایت حسین رفیعی از عمق فساد در سازمان میراث فرهنگی (دزدیها)

سایت ملی مذهبی : حسین رفیعی عضو شورای فعالان ملی- مذهبی که هم اکنون در زندان اوین به سر می برد جزئیاتی را از فاجعه دزدی در سازمان میراث فرهنگی در چند سال گذشته را از زبان یکی از مسئولان این زندان بیان کرده است. این جزئیات که توسط دخترش آنا رفیعی در فیس بوک منتشر شده به عمق فساد در این سازمان دولتی اشاره دارد.
متن کامل روایت دکتر حسین رفیعی از فساد در سازمان میراث فرهنگی به شرح زیر است:
"ایکس" و به ادعای او، معاون آقای حسین مرعشی در سازمان میراث فرهنگی به ۷ سال زندان و ۳۲ میلیارد تومان رد مال محکوم شده است و از سال ۸۳ در زندان است. او ۱۶ قطعه آنتیک منحصر به فرد را، از جمله سر سربازان هخامنشی، به ۷۰۰ میلیون تومان فروخته و خانم فرانسوی خریدار، آن را به ۴ میلیارد تومان فروخته است. او املاک و مستغلاتی به نام همسرش و خویشاوندانش از این پولهای دزدی کرده است.همسرش طلاق گرفته و اموال را برده! خویشاوندانش هم همینطور. وی امید دارد که در "انقلاب دیگری"! آزاد شود!
او ادعا می کند که تمامی مسولان گذشته سازمان میراث فرهنگی دزدی کرده اند. از جمله مشایی و بقایی. دیروز از قول قاضی پرونده بقایی گفته شد که وی در ده کشور سرمایه گذاری کرده است.
او می گفت که تمامی اکتشافات میراث فرهنگی به تهران می آید و قبل از کارشناسی رسمی و ثبت در دفاتر، از مالکیت دولتی خارج می شود. جا دارد که آقای روحانی، یک تیم تحقیقاتی مستقل و مجرب را مامور رسیدگی به ۳۵ سال عملکرد این سازمان کند. او می گوید که علت استعفای نجفی و دیگران به این دلیل بوده که نمی توانسته اند با دزدی مقابله کنند.
سازمان‌میراث‌فرهنگی‌از دو جنبه‌اهمیت‌دارد:
۱–منبع‌اشیاءگران‌قیمت‌موردتوجه‌بازارهای جهانی و تحریک مسئولان برای دزدی
۲-اهمیت تاریخی و فرهنگی آن به عنوان میراث اجدادی.
جا دارد که آقای روحانی برای آن فکری بکند.
وقتی به او گفتم : تو که معاون سازمان بودی و حقوق مکفی می گرفتی و زندگی خوبی داشتی، دلیلی برای دزدی وجود نداشت، چرا دزدی کردی؟ گفت: موقعی که همه دزدی می کنند، چرا من نکنم!
او افسوس می خورد که چرا یک کامیون را پر از این اشیا نکرده و فرار نکرده است!
مفهوم ملت، مفهوم ایران و دزدان مالی برای این دزدان "ملت" و "ایران"، "میراث فرهنگی" و "اموال عمومی" مفهومی ندارد. نه حس و تعلق ملی دارند و نه ترس از دزدی اموال عمومی! این پدیده در زندان در تمام قریب به اتفاق آنها مشاهده می شود.
فردگرایی (individualism) نظام سرمایه داری با فردگرایی این پدیده کاملا متفاوت است. فرد گرایی در نظام سرمایه داری، خود مطرح است ولی خسارت زدن به دیگری، تضییع حقوق عمومی، مذموم است ولی در ایران دزدی از اموال عمومی و تصاحب اموال عمومی را این فاسدین جایز می دانند!حسین رفیعی- بند ۸ اوین- ۲۲ تیر ۱۳۹۴آینه روز - ۲۱۰۵/۰۸/۲۴)

تعطیلی ۴۲۰ واحد سنگبری و بیکاری ۴۵۰۰ کارگر در استان فارس

خبرگزاری تسنیم: اختلاف واحدهای سنگبری و سازمان مالیاتی کشور بر سر افزایش مالیات بر ارزش افزوده سبب تعطیلی ۴۲۰ واحد سنگبری و بیکاری ۴ هزار و ۵۰۰ کارگر در سه شهرستان استان فارس شده است.
به گزارش خبرگزاری تسنیم از شیراز، اختلاف دوباره واحدهای سنگبری و سازمان مالیاتی کشور منجر به تعطیلی ۴۲۰ واحد سنگبری و بیکاری ۴ هزار و ۵۰۰ کارگر در سه شهرستان استان فارس شده است.
اردیبهشت سال گذشته واحدهای سنگبری به نحوه محاسبه و دریافت مالیات برارزش افزوده اعتراض و مدتی واحدها و کارخانجات سنگبری را تعطیل کردند تا اینکه با امضای تفاهمنامه‌ای با سازمان مالیاتی کشور این دعوا خاتمه یافت.
اما گویا با نو شدن سال دوباره سازمان امور مالیاتی روال سابق خود را در پیش گرفته و همان مشکلات قبل دوباره پیش روی کارخانجات سنگبری ایجاد شده است
روالی که اعتراض واحدهای سنگبری در استان‌های مختلف از جمله استان فارس را در پی داشته است و منجر به تعطیلی ۴۲۰ واحد سنگبری و بیکاری ۴ هزار و ۵۰۰ کارگر در سه شهرستان استان فارس شده است.
رکود در بازار ساخت‌وساز از دیگر مشکلاتی است که واحدهای سنگبری در چند سال اخیر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند اما علت اصلی تعطیلی واحدهای سنگبری بنا به گفته مجتبی فصیحی مهرآبادی، دبیر انجمن سنگبری‌های شیراز، افزایش مالیات بر ارزش افزوده است.
بنا به گفته فصیحی در ۷۰ واحد سنگبری در شهر شیراز ۵۰۰ کارگر مشغول کار هستند که به دلیل تعطیلی واحدهای سنگبری این تعداد کارگر نیز بیکار شده‌اند.
سید جلال میرعظیمی، دبیر انجمن کارفرمائی سنگ صفاشهر، افزایش سه برابری قیمت حامل‌های انرژی نسبت به سه سال گذشته را از دیگر دلایل تعطیلی کارخانجات سنگبری در استان فارس ذکر می‌کند و می‌گوید: اداره برق زمانی را که اوج تولید سنگبری است، ساعت اوج مصرف قرار داده و این امر سبب تحمیل هزینه‌های سنگین به تولیدکننده می‌شود.
وی از تعطیلی ۱۵۰ واحد سنگبری در صفاشهر و بیکاری ۱۵۰۰ کارگر خبر داد
به گفته مسعود صادقیان، رئیس اتحادیه سنگبری‌ها نیز واحدهای سنگبری کشور جزء مرحله دوم فراخوان سازمان مالیاتی هستند.
وی می‌گوید در مقدمه قانون ارزش افزوده شیوه اجرای قانون از تولید تا توزیع و

هنرجمهوری اسلامی ویران سازی است

مصرف ذکر شده است، اما متاسفانه سازمان امور مالیاتی کشور، تنها سراغ حلقه نخست آمده و برای دو حلقه دیگر تاکنون فراخوان داده نشده است.

صادقیان در تشریح مالیات بر ارزش افزوده‌ای که یک تولیدکننده باید بپردازد، چنین گفته است در حال حاضر ما باید ۹ درصد مطالبه سازمان دارایی، ۹ درصد مالیات مواد اولیه و مالیات برق را پرداخت کنیم که در این صورت حدود ۲۷ تا ۲۸ درصد مالیات بر ارزش افزوده از سرمایه تولیدکننده پرداخت می‌شود که برای یک تولید کننده بسیار بالاست.

در شهر نی‌ریز نیز مانند دیگر شهرهای استان فارس تعطیلی واحدهای سنگبری منجر به بیکاری کارگران این کارخانه‌ها شده است و بنا به گفته صادقیان ۲۰۰ واحد در شهرستان نی‌ریز تعطیل شده و ۲۵۰۰ کارگر نیز بیکار شده‌اند

محمدحسن دوگانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، از قطعی بودن اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌گوید و اینکه این قانون تنها زمانی قابل تغییر است که در برنامه ششم توسعه بررسی و تغییر آن تصویب شود.

این گفته دوگانی به این معناست که اعتراض واحدهای صنعتی اعم از سنگبری‌ها و دیگران بر افزایش مالیات بر ارزش افزوده راه به جایی نخواهد برد مگر اینکه این قانون در دوره‌های بعد تغییر یابد.

با این حال اوضاع وخیم صنعت در استان فارس ایجاب می‌کند که حمایت‌های ویژه‌ای از صنعتگران صورت گیرد تا با رونق تولید اشتغال ایجاد شود و بیکاری در این استان کاهش یابد.

فریدون فرقانی، رئیس اتاق بازرگانی شیراز، در مصاحبه‌ای گفته است " اگر بخواهیم واحدهای سنگبری فعال بمانند و مثل سابق برای تعداد بسیاری از کارگران اشتغال‌زایی داشته باشند، باید راهکارهای مناسبی ارائه داد و حداقل یک فرصت دو یا سه‌ساله به آن‌ها داده شود تا بتوانند خودشان را با وضعیت موجود نظام مالیاتی تطبیق دهند".

مزیت استان فارس در تولید سنگ‌های تزئینی زمانی پایدار می‌ماند که شرایط برای تولیدکننده فراهم باشد در غیر این صورت به تدریج چراغ این صنعت در استان فارس به خاموشی می‌گراید و طولی نمی‌کشد که محصولات استان فارس به شکل خام به دیگر استان‌ها فروخته می‌شود.

گزارش از حلیمه زارع (۲۴ / ۰۸ / ۲۰۱۵ آینه روز)

[اگربه هر مسئله تولیدی و اجتماعی نظری افکنده و به بررسی آن بپردازی درست مثل آن می ماند که جعبه ای را بازکنی و بوی تعفن جسدی را ببینی که هیچ راه حلی جز چال کردن جسد برای رهائی از بوی تعفن اش وجودندارد. چنین است وضعیت اجتماعی امروز درایران از هرجهت که بدان نگاه کنیم. مسبب اصلی چنین وضعی نیز دیکتاتوری و استقرار افسارگسیخته استثمار است. بدون روبیدن این نظام و چال کردن آن تا مردم از بوی تعفن اش رهائی بیابند، راه دیگری وجودندارد. رنجبر]

★

بدون تفسیر !
اعترافات مسئولین در مورد سونامی بی کاری به قلم یکی از کارگزاران
۰۲/۰۶/۱۳۹۴

ایلنا: «کاظم فرج اللهی» از فعالان صنفی کارگری در یاداشتی با مقایسه آمارهای مربوط به بازار کار و اشتغال با اظهار نظرهایی که از سوی شخصیتهای مختلف حقوقی در مورد وضعیت اشتغال و بیکاری، پیشنهاد کرده است تا سیاستگذاران به مردم امکان قضاوت در مورد میزان موفقیت برنامه های اقتصادی را بدهند.

بازار کار ، پراکندگی بیکاری و وظایف مسئولان

مرکز آمار ایران در تاریخ ۹۴/۴/۱۰ جدیدترین گزارش خود را در بارهٔ بیکاری در ایران ، شاخص های آن و پراکندگی بیکاری میان گروه های مختلف سنی و جنسی منتشر کرد . این مرکز با بکارگیری روش هایی چون قرار دادن نوجوانان و کودکان تا ۱۰ ساله در شمار جمعیت فعال اقتصادی (شاغلان و بیکاران) و یا کاهش سطح شیوهٔ شناسایی افراد شاغل به حد کسانی که " در هفتهٔ منتهی به آمار گیری حداقل یک ساعت کار کرده باشند"، تلاش در کوچک تر نشان دادن نرخ بیکاری در جامعه را دارد. البته که هر یک از این روش ها جای بررسی و بحث مفصل را در جای خود دارند. با این همه این گزارش نکات بسیار مهم و قابل توجهی دارد :

الف) با وجود افزایش نرخ رشد اقتصادی نسبت به سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۲ ، نرخ بیکاری ۱۰/۱۸ درصدی در بهار ۱۳۹۴ نسبت به نرخ ۱۰/۶ درصد در سال ۱۳۹۳ و ۱۰/۲ درصد در پاییز ۱۳۹۲قدری افزایش داشته است . در همین سال نرخ بیکاری زنان ۱۹/۲ درصد و مردان ۹ درصد است .

ب) نرخ بیکاری در میان جمعیت جوان ۱۵تا ۲۴ ساله کشور ۲۵/۲ درصد است؛ باز هم کودکان زیر سن اشتغال در آمار گیریِ اشتغال لحاظ شده اند . و تاسف بار این که در این گروه سنی مردان ۲۰/۹ درصد بیکارند و نرخ بیکاری زنان ۴۳/۱ درصد است .

پ) شمار جمعیت شاغل از ۲۱ میلیون و ۳۴۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۳ به ۲۱ میلیون و ۳۰۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۳ رسیده است و یک کاهش ۴۲ هزار نفری را نشان می دهد . نکتهٔ بسیار قابل توجه این است که دلیل این کاهش، برآیند کاهش ۴۶ هزار نفری شاغلان زن و افزایش ۴ هزار نفری شاغلان مرد طی این دوره است و این موضوع نشان دهندهٔ عمیق تر شدن شکاف جنسیتی در بازار کار ایران طی سال ۱۳۹۳ است. در پایین باز هم به این موضوع خواهیم پرداخت.

ت) در میان جمعیت شاغلان ۹/۶ درصد افراد اشتغال ناقص دارند .

ث) ۳۹ درصد از شاغلین در هفته بیشتر از ۴۹ ساعت کار می کنند . با توجه به شاخص های کار شایسته ، این امر نشان دهندهٔ این واقعیت است که جمعیت بسیار بزرگی از شاغلان بیشتر از حد استاندارد هفتگی کار می کنند تا بتوانند هزینه های زندگی خود را باتوجه به پایین بودن سطح دستمزدها تامین کنند .

ج)همین گزارش شمار بیکاران مطلق را ۲/۵ میلیون نفر اعلام می کند و این در حالی است که کارشناسان مستقل امور اجتماعی و اقتصادی و حتا پاره ای ازمسئولان دولتی با تاکید بر اختلاف نجومی این رقم با واقعیت موجود ، آمار واقعی بیکاران مطلق را دو برابر این رقم عنوان می کنند .

چ) بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران ، تعداد بیکارانِ دارنده ی تحصیلات عالی ۱/۲ میلیون نفر است . از منظر آسیب های اجتماعی وارد شده به جمعیت ، طولانی شدن دورهٔ ورود به بازار کار ، دلسردی از یافتن شغل مناسب و حرکت جمعیت به سمت غیر فعال بودن و خانه نشین شدن را در پی دارد . جوانان فارغ التحصیل دانشگاه ها پس از مدتی تحمل کردن بیکاری وخانه نشینی اگر دلسرد

نیست . اما یک سئوال مهم مطرح است که پاسخی د رخور طلب می کند شخص رئیس جمهور ، معاون ایشان ، وزیر کار و ریاست مجلس به چه کسانی یا چه ارگانی هشدار می دهند ؟ مگر نه اینست که مطابق اصول بیست و هفتم و بیست و نهم قانون اساسی، ایجاد شغل مناسب و فراهم کردن زمینه اشتغال آحاد ملت و یا برقراری تامین اجتماعی برای آن ها، بخشی از تکالیف دولت است؟

یافتن نقاط ضعف و بحرانی جامعه در هر عرصه و ارایه گزارش آنها به مردم و مسئولان، هشدار دادن به مسئولان و وادار کردن آن ها به پاسخگویی در مقابل مردم در مورد بحران های پیش رو یا در مسیر آینده در حوزهٔ وظایف رسانه ها و اهالی رسانه ها ست. اما پیدا کردن ریشه مشکلات و ارائه راه حل های کارشناسانه برای آن ها، تهیه و تدوین نقشه ی راه، تصویب طرح و بودجه و اجرایی کردن این راهکارها، اگر در حوزه وظایف دولت و قوه مجریه نیست به عهدهٔ کدام مرجع ونهاد است که مسئولان دولتی به آنها هشدارمی دهند؟ این هشدار ها جنبه ی تبلیغ و جلب توجه افکار عمومی را دارد یا علت های دیگری باید برای آن جستجو کرد

تدوین و تصویب سیاست های اقتصادی اشتغال زا و تعیین و تامین اعتبار برای اجرای آن ها، اتخاذ سیاست های متکی به تولیدات داخلی- صنعتی و کشاورزی- و استفاده از مزیت های اقتصادیِ کشور، ایجاد و توسعه رشته های دانشگاهی متناسب با نیازهای بازار کار کشور ، تربیت متخصصان و حرفه آموزی، مشاوره و راهنمایی دادن به دانشجویان و دانش آموزان در انتخاب رشته های متناسب با نیاز بازار کار کشور، و همچنین ایجاد سازمان یا نهاد ملی کاریابی جهت تسهیل دستیابی جویندگان کار به فرصت های شغلی در سطح کشور به نحوی که سود جویی و کسب منافع دلالیِ شرکت های واسطه و پیمانکار در آن دخیل نباشد، اگر در حوزه ی وظایف و تکالیفِ دولت و وزرای اقتصادی، کار و آموزشیِ کابینه نیست در حوزه ی وظایف کدام نهاد هاست؟ از دولتمردانی که یکی پس از دیگری با وعده های انتخاباتیِ رفع بحران بیکاری، ایجاد اشتغال و ترمیم و جبران عقب افتادگیِ مزمن دستمزد ها از تورم از مردم رای گرفت و بر سر کار میآیند اکنون انتظار می رود برای عمل به وعده های داده شده، برنامه ی اجرایی مشخص ارایه کنند، برنامه ای که مردم بتوانند پس از

شغل به صورت مشترک میان مردان و زنان و تنها ۱۶ مختص زنان است . در مقابل این آمارها و اطلاعاتی منتشر شده از آخرین وضعیت عرضه و تقاضا در بازار کار، رسانه های مختلف تاکنون از زبان شخصیتهای حقیقی و حقوقی متعددی که به نوعی با وضعیت بازار کار در ارتباط هستند هشدارهایی را نیز منتشر کرده اند.

الف) هشدار رئیس جمهور.

رئیس جمهور با هشدار نسبت به لزوم حل مشکل بیکاری و مواجه شدن کشور با پدیدهٔ بیکاری جوانان تحصیل کرده اعلام کرده اند : تا زمانی که مشکل بیکاری در کشور حل و فصل نشود هیچ یک از تصمیمات فرهنگی امکان تحقق نخواهد داشت . (سرویس سیاسی خرداد – کد خبر ۲۲۷۱۸)

ب) هشدار وزیر کار در مورد سونامی بیکاری در ایران .

از سال ۱۳۸۹ به این سو تنها در طرح های عمرانی ۵۰۰ هزار نفر شغل خود را از دست داده اند . .... د رسال گذشته ۶۰۰ هزار نفر شغل ایجاد شده که ۲۰۰ هزار آن از بین رفته است (!) ایشان در گفتگو یی دیگر در تاریخ ۹۲/۱۲/۱۳ با اشاره به بیکاری فارغ التحصیلان می گوید : با توجه به شمار کنونی دانشجویان در حال تحصیل ۴/۵ میلیون در خواست شغلی جدید در راه است اگر راه حلی نداشته باشیم و سونامی بیکاران را خواهیم داشت . (خبرگزاری مهر – ۹۴/۲/۳۰)

ایشان در جایی دیگر: "برای حل مشکل بیکاران نیاز به نرخ رشد اقتصادی ۷ تا ۸ درصد داریم . هریک درصد رشد اقتصادی یکصد هزار شغل ایجاد می کند". اما ایشان توضیح نمی دهند اگر رشد اقتصادی به خودی خود و به تنهایی اشتغال زایی می کند چرا رشد اقتصادی در دوره ی دولت پیشین اشتغال زایی نداشته است .

ج) رئیس مجلس شورای اسلامی : علی لاریجانی در حاشیهٔ اجلاسیهٔ شهدای شاهرود می گویند : ۴۲٪ فارغ التحصیلان دانشگاه ها بیکار هستند . (خبرگزاری تسنیم . جمعه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۴)

رئیس کانون ملی معماری در ایران (۹۴۹/۲/۲)می گوید ۶۰٪ مهندسان معمار ایران بیکار هستند .

د) هشدار معاون اول ریاست جمهوری : بیکاری به مرز هشدار رسیده است . (ایلنا ۲۳ خرداد ۹۴)

به عنوان نتیجه گیری باید گفت: گزارش ها و نقل قول هایی که در بالا آمد خود به قدر کافی گویا هستند و نیازی به توضیح و تفسیر و افسرده نشده باشند ، مجبور می شوند به مشاغلی که ارتباطی با رشتهٔ تحصیلی آن ها ندارد وارد شوند. روشن است که این حالت بطور منطقی علاقه و بازده چندانی در پی نداشته و بهره وری نیروی کار را پایین می آورد . گروه زیادی نیز که امکاناتی هم برای فرار از بیکاری و پیدا کردن شانس بیشتر در یافتن شغل مناسب دوباره وارد دانشگاه شده راه ادامهٔ تحصیل را در پیش می گیرند ؛ امری که در بیشتر موارد متاسفانه بازهم شانس چندانی برای جذب شدن در بازار کار و یافتن شغل مناسب به جود نمی آورد و در واقع بهانه ایست برای راحت تر یا آسان تر طی شدن یک دورهٔ دیگر بیکاری در زندگی : ابتدا دیپلمه بیکار ، ۴ سال بعد کارشناس بیکار و ۲ سال بعد کارشناس ارشد با توقع و انتظارات بیشتر و شانس کاریابی باز هم کمتر . باز هم در این مورد:

ح) کورش پرند معاون وزیر کار و رئیس سازمان آموزش فنی و حرفهای گفته است: بر اساس گزارش ها و آمار موجود نزدیک به ۴۰ درصد بیکاران کشور تحصیلات عالی دارند . نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی ۱۸/۹ درصد است . در این گروه نرخ بیکاری مردان ۱۲/۹ و زنان ۳۱/۳ درصد است . ایشان اضافه می کنند بیشترین نرخ بیکاری این گروه مربوط به فارغ التحصیلان رشته علوم کامپیوتر ۲۷/۲٪ است . پرند می گوید "برای حل معضل بیکاری این گروه چاره ای جز روی آوری به توانمند سازی حرفه ای و مهارت آموزی دانشجویان وجود ندارد" . تو گویی سایر دارندگان توانایی و مهارت های حرفه ای در رشته های مختلف بیکار نیستند وهمگی شاغل اند. (تامین شماره ۲۴- ۹۴/۴/۱):

خ) سهیلا جلودارزاده، مسئول اتحادیه کارگران زن در یک مصاحبه با ایلنا می گوید زنان ۶۴ د رصد فارغ التحصیلان دانشگاهی را تشکیل می دهند اما درصد ناچیزی از آن ها جذب بازار کار می شوند .

د) علی جمالی ، رئیس امور آمار ، برنامه ریزی و تامین نیروی انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گفته است در آزمونی که در خرداد ماه گذشته برگزار شد ۸ هزار نفر جذب بازار کار خواهند شد. (اقتصاد نیوز – ۲۰۱۵/۵/۱۷)

در این آزمون د رعمل فرصت بسیار ناچیزی به زنان برای اشتغال در پست های دولتی اختصاص داده شده است .

در همین رابطه " فرارو " گزارش می دهد: ازمیان ۲۸۰۰ شغل ارائه شده ۲۲۸۴ شغل ویژهٔ مردان ، ۵۰۰

مقابله با بیکاری جوانان تحصیلکردهٔ کشور صدور آنان به خارج است. (پیک ایران - ۱۳۹۴/۶/۶)

****

در ده سال گذشته، ۴۲۰ هزار دختر زیر ۱۵ سال در سراسر ایران ازدواج کردند

شیما قوشه، حقوقدان و وکیل دادگستری در رابطه با گزارش‌های متعدد منتشر شده در رابطه با آمار ازدواج هزاران دختر و پسر زیر ۱۵ سال که طی سالهای گذشته ازدواج کرده اند به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که بسیاری از خانواده‌ها ازدواج زیر سنین قانونی در دفاتر رسمی را ثبت نمی کنند و تنها از نظر شرعی خطبه عقد را جاری می کنند و یا این موارد ازدواج در دفترخانه ها به صورت غیرقانونی ثبت می شود.

مجید ارجمندی، رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی روز دوشنبه ۲۶ مرداد ماه، اعلام کرد که اطلاعات کم بعضی خانواده‌ها در ارتباط با نحوه رفتار با دختران باعث شده آنان را قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی شوهر دهند: «متاسفانه همین عامل باعث شده که در سال‌های گذشته ۳۶۰ دختر در سن کمتر از ۱۴ سالگی ازدواج کنند که متاسفانه ۱۰ مورد از آنان کمتر از ۱۰سال داشتند.»

مشخص نیست که این آمار در چه بازه زمانی و از کدام استان‌های کشور به دست آمده است. با وجود آنکه این مقام سازمان بهزیستی تعداد ازدواج های زیر سن قانونی را ۳۶۰ مورد ذکر کرده، اما روز سه‌شنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۹۴ روزنامه شهروند در گزارشی مبتنی بر آمارهای اداره ثبت احوال نوشت که تعداد این چنین ازدواج هایی تنها در سال ۹۳ بیش از ۴۰ هزار مورد است: «آمارهای سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد که در سال گذشته، ۴۰هزار و ۴۰۴ دختر کمتر از ۱۵سال و ۳۲هزار و ۵۸۷ پسر زیر ۲۰سال ازدواج کرده و ازدواجشان در دفاتر ثبت ازدواج ثبت شده است. براساس جدیدترین آمارهای سازمان ثبت احوال کشور، در سال‌های ۸۳ تا ۹۳ تعداد ۴۱۹هزار و ۴۸۸ دختر زیر ۱۵سال و ۴۸۴هزار و ۸۸۵ پسر زیر ۲۰سال ازدواج کرده‌اند.»

شیما قوشه، وکیل دادگستری در همین رابطه با اشاره به اینکه سن قانونی ازدواج برای دختران در ایران ۱۳ سال در نظر گرفته شده به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت: «۱۳ سال را سن معیار قرار داده در ایجاد کار پیش بینی کرده است که نرخ بیکاری ایران در سال ۱۴۰۰ در بهترین حالت به حدود ۱۶ درصد و در بدترین حالت به بیش از ۱۸ درصد خواهد رسید.

مجلس شورای اسلامی در گزارش اش اضافه کرده است که در سال ۱۳۹۲ از مجموع ۱۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر جمعیت جوان ایران ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر تحصیلکردهٔ دانشگاه ها بوده اند. اگر چه این گزارش نمی گوید که چند در صد از این جمعیت جوان و به ویژه اکثریت غالب آن یعنی جوانان تحصیلکرده دارای شغل هستند، اما، به فاصلهٔ چند سطر پایین تر اعتراف می کند که میزان اشتغال جوانان ایران که در سال ۱۳۸۴ حدود ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بوده در سال ۱۳۹۳ به ۲ میلیون و ۲۶۰ هزار نفر سقوط کرده است. به بیان دیگر، گزارش مجلس شورای اسلامی تلویحاً اعتراف می کند که هم اکنون تنها ۱۰ میلیون و ۷۰۰ هزار جوان بیکار و به ویژه جوانان فارغ التحصیل بیکار در کشور وجود دارد که به تعبیر نمایندگان مجلس به "بحرانی بزرگ برای حاکمیت" جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده اند. با این حال، دولت حسن روحانی شمار کل بیکاران کشور را فقط ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر اعلام می کند، هر چند خود وزیر کشور دولت یازدهم پیش از این هشدار داده بود که در سال ۱۴۰۰ تنها ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار بیکار تحصیلکرده بر شمار بیکاران کشور افزوده خواهد شد.در حالی که دولت یازدهم و گزارش مجلس شورای اسلامی بحران بیکاری به ویژه بیکاری جوانان (تحصیلکرده) را خطری جدی برای حاکمیت جمهوری اسلامی توصیف کرده اند، رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه ای، در آخرین دیدارش با دولت و رییس جمهوری ایران گفت که از نظر او مشکلات اقتصادی کشور چندان مایهٔ نگرانی نیست، اما، مسائل فرهنگی گاه خواب را از چشم (او) می رباید.

در روزهای گذشته، علی ربیعی، وزیر کار دولت حسن روحانی، اعتراف کرد که بحران بیکاری کشور حتا در دورنمای سال های پیش رو برطرف نخواهد شد و جلوگیری از افزایش بیکاری نیز عملاً ناممکن است، زیرا همین هدف حداقل محتاج رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد، یعنی نیازمند ۳۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری جدید، آنهم خارج از صنایع نفت و گاز است. بیست و چهار ساعت بعد، در اظهاراتی جداگانه معاون وزیر کار در امور کاریابی گفت که تنها راه گذشت مدتی – که از سوی خود نویسندگان آن تعیین شده است- در مورد درستی یا نادرستی و موفقیت یا شکست آن را ارزیابی کرده و نمره بدهند.

[داشتن چنان انتظاراتی از دولتهای اسلامی ایران به عبث فرستادن مردم به دنبال نخودسیاه است. باید به این امیدبود که یکی ازاین سونامیها بساط رژیم فاسد جمهوری اسلامی ایران را ازریشه کنده و به زباله دانی تاریخ بیاندازد.رنجبر]

****

مجلس : ۱۱ میلیون بیکار تحصیلکرده "بحرانی بزرگ برای حاکمیت ایران است"

مجلس شورای اسلامی ایران با انتشار گزارشی و با اشاره به آنچه "هجوم" ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار درس خوانده به بازار کار نامیده هشدار داده است که شمار بیکاران ایران در سال ۱۴۰۰ دو برابر افزایش خواهد داشت که این به منزلهٔ "بحرانی بزرگ برای دولت و حاکمیت" جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

به گزارش رادیو فرانسه، گزارش مجلس شورای اسلامی ایران دولت حسن روحانی را از حل این بحران بزرگ اجتماعی طی دو سال اخیر ناتوان توصیف کرده و افزوده است که برغم کاهش نرخ جمعیت به ویژه جمعیت جوان بین ۱۵ تا ۲۴ سال طی ده سال اخیر، عملاً ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار فارغ التحصیل جوان بر شمار بیکاران کشور افزوده شده است. گزارش مجلس تصریح می کند که برغم افزایش چشمگیر شمار جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاه ها، خالص اشتغال جوانان در سال های ۱۳۹۳-۱۳۸۵ همواره منفی بوده است.

این گزارش با استناد به نرخ های رشد اقتصادی ایران طی شش سال گذشته تلویحاً ادعای دولت حسن روحانی را مبنی بر کاهش بیکاری در دو سال اخیر زیر سئوال برده است. برای نمونه، گزارش مجلس شورای اسلامی می پرسد : در حالی که نرخ رسمی بیکاری کشور در سال ۱۳۸۹ آنهم با وجود رشد اقتصادی ۶,۵ درصدی بیش از ۱۳ درصد بوده، چگونه می توان این ادعای دولت را پذیرفت که نرخ بیکاری کشور اکنون به ۱۰,۴ درصد کاهش یافته، در حالی که نرخ رشد اقتصادی ایران در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب منفی ۶,۸ درصد و منفی ۱,۹ درصد بوده است.

گزارش مجلس شورای اسلامی سپس با اشاره به ناتوانی بازار کار ایران

تولدها را تشکیل می‌دهند. بر اساس این گزارش، در سال ۹۱، ۴تولد برای مادر ۱۰ ساله، ۱۷ تولد برای مادر ۱۱ ساله، ۵۰ تولد برای مادر ۱۲ ساله، ۲۷۵ تولد برای مادر ۱۳ ساله و ۱۲۸۹ تولد برای مادر ۱۴ساله ثبت شده است. همچنین براساس آمار سازمان ثبت‌احوال کشور در سال ۹۱، ۴هزار و ۳۷۷ تولد برای مادران ۱۵ ساله، ۱۰هزار و ۶۳۷ تولد برای مادران ۱۶ ساله، ۱۹هزار و ۸۸۱ تولد برای مادران ۱۷ ساله، ۳۱هزار و ۴۹۴ تولد برای مادران ۱۸ ساله و ۴۳هزار و ۹۲۵ تولد برای مادران ۱۹ ساله ثبت شده است

روزنامه شهروند بر اساس جدیدترین جدولی که درباره توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج در سایت سازمان ثبت احوال منتشر شده، نوشته است که در سال ۹۳ بیشترین ترکیب ازدواج ثبت شده، مربوط به ترکیب سنی مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله با زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله است به‌طوری که تعداد آن‌ها به ۱۱۴هزار و ۴۵۹ ازدواج می‌رسد. از طرف دیگر، آمارهای سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد که در سال گذشته، ۶هزار و ۶۳۱ ازدواج بین دختران کمتر از ۱۵سال و پسران کمتر از ۲۰سال در ایران ثبت شده است. این آمارها نشان می‌دهد که در سال ۹۳ تعداد۱۱ ازدواج بین دختران کمتر از ۱۵ و مردان ۵۵ تا ۵۹ ساله و ۲۲ ازدواج بین دختران ۱۵ تا ۱۹سال با مردان ۶۰ تا ۶۴ ساله اتفاق افتاده است.

(همانجا ـ ۵ شهریور۱۳۹۴)

[این آمارهای نفرت انگیز نشان می دهد که به آزادی دختران در تحصیل و فراگرفتن حرفه ای برای کار اهمیت لازم داده نشده و دربسیاری اوقات مسئله اقتصادی یعنی کم کردن تعداد کودکان از سرسفره خانواده دلیلی است برای تن دادن خانواده به ازدواج کودکان و تبدیل آنان به دستگاه تولید و درنتیجه‌درگیر در شیردادن و بزرگ کردن فرزند یکی به دنبال دیگری و ازدست دادن فرصت تحصیل در نوجوانی این عمل عنیف ازرشد دختران جلوگیری به عمل آورده و مقام شایسته و برابر خود را به دلیل عدم توانائی اقتصادی درخانواده ازدست داده و بدین ترتیب نظام منفور "مردسالاری" در جامعه تحکیم می گردد. مبارزه با ازدواج دختران قبل از بلوغ ۱۶ ـ ۱۸ سال ازوظیفه ی طبقه کارگر و کلیه ی کمونیستها ست چه بدون براندازی نابرابری درخانواده نمی توان نابرابری درجامعه را ریشه کن نمود. رنجبر]

****

و فرض را بر این گرفته‌اند که دختر در این سن به بلوغ جسمی و جنسی و به زعم قانون‌گذار عقلی می‌رسد. بنابراین تا زیر سن ۱۳ سال این اجازه قانونی وجود ندارد اما بالای این سن ممنوعیتی وجود ندارد. اما پدر یا ولی قهری می‌تواند فرزند زیر ۱۳ سالش را با اجازه دادگاه به عقد کسی دربیاورد.»

ازدواج زیر سن قانونی بر خلاف پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک است. این پیمان نامه، سن زیر ۱۸ سال را سن کودک تعریف کرده است. شیما قوشه به کمپین گفت که مهمتر از تغییر سن قانونی ازدواج دختران از ۱۳ سال به ۱۸ سال در کشور، فرهنگ‌سازی است: «می‌بینیم الان هم که قانون منع ازدواج برای دختران زیر ۱۳ سال داریم خیلی‌ها به هر طریقی خلاف این قانون رفتار می‌کنند. اگر قانون را با نگاه به کنوانسیون حقوق کودک ۱۸ سال هم بگذاریم، وقتی مردم آمادگی فرهنگی نداشته باشند و از حقوق کودک آگاه نباشند و به آن اعتماد نداشته باشند باز هم خلاف قانون این اتفاقات می‌افتد.»

این وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان اضافه کرد که در کنار فرهنگ‌سازی باید دلایلی که خانوادها فرزندانشان را در این سن به عقد کسی در می‌آورند شناسایی و رفع شود: «دلایلی مثل، اعتیاد و فقر خانواده، سطح پایین فرهنگ، بی‌اطلاعی و...، در حقیقت باید با یک نگاه حمایتی به جنگ با چنین پدیده‌ای رفت.»

احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در گزارشی که سال ۲۰۱۴ منتشر کرد نوشت که حداقل۴۸ هزار و ۵۸۰ دختر بین سنین۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۲۰۱۱ ازدواج کردند، و گزارش شده است که ۴۸ هزار و۵۶۷ نفر از آنها قبل از ۱۵ سالگی حداقل یک فرزند داشته‌اند: «تعداد ۴۰ هزار ۶۳۵ مورد ازدواج دختران زیر سن ۱۵ سال نیز بین ماه‌های مارس ۲۰۱۲ و مارس۲۰۱۳ ثبت شد که در بیش از ۸ هزار مورد مردان حداقل ۱۰ سال مسن‌تر از زنان بودند. علاوه بر این، حداقل یک هزار و ۵۳۷ ازدواج دختران زیر سن۱۰ سال در سال ۲۰۱۲ ثبت شد، که افزایش قابل توجهی در مقایسه با ۷۱۶ مورد ثبت شده بین ماه‌های مارس۲۰۱۰ و مارس سال ۲۰۱۱ است. تعداد طلاق‌های ثبت شده برای دختران در سنین کمتر از ۱۵ سال نیز به طور مداوم از سال ۲۰۱۰ تا کنون افزایش یافته است.»

خبرگزاری دولتی ایرنا نیز چندی پیش آماری منتشر کرد که بر اساس آن تولدهای مربوط به مادران زیر ۱۹سال، ۱. ۸ درصد کل

ماموران امنیتی مانع از مراسم اعدام‌شدگان ۶۷ در گورستان خاوران شدند

ماموران امنیتی ایران نگذاشتند مراسم یادبود زندانیان سیاسی اعدام‌شده در جریان اعدام‌های ۶۷ در گورستان خاوران، در جنوب تهران، برگزار شود.

امروز، جمعه ۶ شهریور، اعضای خانواده اعدام‌شدگان قصد داشتند وارد گورستان خاوران بشوند که ماموران امنیتی با آنان برخورد کردند. گفته شده که چند نفر از شرکت‌کنندگان نیز بازداشت شده‌اند.

به افرادی که در محل حاضر بوده‌اند گفته شده که حق ندارند در شهریور ماه به گورستان خاوران بروند.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ چند هزار نفر از زندانیان سیاسی، عمدتا از سازمان مجاهدین خلق و گروه‌های چپگرا، که دوران محکومیت خود را می‌گذراندند اعدام شدند. آیت‌الله حسینعلی منتظری، در کتاب خاطرات خود دستور آیت‌الله خمینی برای اعدام این زندانیان را منتشر کرد.

تصور می‌شود که شماری از این اعدام‌شدگان در گورستان خاوران و در گورهای جمعی دفن شده باشند.

بستگان و نزدیکان اعدام شدگان در نخستین جمعه شهریور ماه و آخرین جمعه سال مراسم یادبودی در خاوران برگزار می‌کنند. این مراسم پیش از این نیز با تنش و دستگیری شرکت‌کنندگان همراه بوده است.

(بی.بی.سی. ۲۰۱۵/۸/۲۸)

[رسیده گی به پرونده اعدامیها درایران ازفردای پیروزی انقلاب تا به امروز زمینه مناسبی درنشان دادن خصلت ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی ایران است و می تواند نقش خوبی دررشد هم بسته گی مبارزاتی درمیان خانواده های داغدیده ایجادکرده و در مبارزه برای براندازی نظام نامشروع حاکم موثر واقع شود. رنجبر]

****

فساد در عمق جان اقتصاد ایران لانه کرده است

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران با بیان اینکه امروز اقتصاد ایران فسادآلود بوده و نیاز به بازسازی اخلاقی دارد، گفت: فساد در عمق جان اقتصاد ایران لانه کرده است.

به گزارش خبرنگار مهر، افزود: امروز اقتصاد ایران به دلیل بحران اجتماعی و فسادآلود، نیاز به بازسازی فکری و

اخلاقی دارد، چراکه فساد در عمق جان اقتصاد ایران لانه کرده و با تقویت اخلاق مداری در فعالان اقتصادی رشد و توسعه پایدار امکان پذیر است.
عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران خاطرنشان کرد: بخش خصوصی ایران برای حرکت در مسیر رشد و توسعه باید رفتارهای فرهنگی را نیز تقویت کند، چراکه فرهنگ موتور پیش برنده توسعه اقتصادی کشور است.. (پیک ایران - ۷ شهریور ۱۳۹۴)
ویا: شمخانی : فساد اقتصادی مثل موریانه انقلاب را می‌خورد
دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: امروز باید بی‌رحمانه با فساد اقتصادی که مثل موریانه انقلاب ما را خواهد خورد، مقابله کنیم
به گزارش خبرنگار مهر، امیر دریابان علی شمخانی صبح امروز در همایش «اقتدار ملی؛ همدلی و همزبانی دولت و ملت» در مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی، با اشاره به عادت‌هایی که کشور را دچار عقب‌ماندگی کرده است، اظهار داشت: مولفه‌های مختلف اقتدار، امنیت، قدرت، اقتصاد، رضایتمندی و تدبیر باعث عینی‌سازی بیرونی اقتدار می‌شود.
شمخانی با بیان اینکه امروز خاکریزهای اقتصادی ما را با تحریم‌ها مورد هجوم قرار داده‌اند، ادامه داد: تنها با این هجوم می‌خواهند اقتدار ما را تضعیف کنند و ما باید این مولفه را به عنوان مهمترین تهدید تلقی کنیم و ساختار و سازمان متناسب با آن را به عنوان یک ضرورت ملی که تاریخ‌ساز باشد، ایجاد کنیم.
وی در پایان خاطرنشان کرد: با فساد اقتصادی باید بی‌رحمانه مقابله شود و این مولفه مثل موریانه، انقلاب ما را خواهد خورد و با تولید کارآمدی، مبارزه با فساد و بهینه‌سازی در مصرف می‌توانیم موفق باشیم. (همانجا - تاریخ مطلب: پنجم شهریور ۱۳۹۴)
[حرص سودجوئی و ثروت اندوزی جزء نیازهای اساسی درنظام سرمایه داری مثل تنفس هوا برای زنده ماندن می باشد. بنابراین با تعلیم و تربیت ویا درمبارزه با تحریمها نمی توان این فساد راازعمق جان اقتصادایران بیرون انداخت. برای این کار باید مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله را ریشه کن نمود و بدین ترتیب سوسیالیسم تنها راه نجات نه تنها درایران بلکه درکل جهان می باشد که غرق درفساداست. دراین نظام و با برقرارنمودن کنترل کارگری جامعه در حفاظت از درآمدهایش حساسیت نشان داده و زمینه را برای دزدی ازبین می برد و دزدان سریعا شناسائی شده و به مجازات می رسند و نه مثل ایرانیان بی سابقه اند!- رنجبر]

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

ببین بربریت به کجا رسیده است؟ "کودکان را در شکم مادران کارتن‌خواب پیش‌خرید می‌کنند

دویچه وله : یک استاد دانشگاه که چند شب را با کارتن‌خواب‌ها سپری کرده، می‌گوید کودکان قبل از به دنیا آمدن و در شکم مادران کارتن‌خواب پیش‌خرید می‌شوند.
وزارت کشور هم از جمعیت ۱۸ میلیونی در سکونتگاه‌های غیررسمی خبر داده است.
دکتر چیت‌چیان، استاد دانشگاه که چند شب را در میان کارتن‌خواب‌ها سپری کرده می‌گوید وضع کارتن‌خواب‌ها آنقدر بحرانی است که کودک را در شکم مادر و پیش از به دنیا آمدن به مبلغ یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان پیش‌خرید می‌کنند.
شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس‌جمهور ایران در امور زنان و خانواده مردادماه سال ۱۳۹۴ گفته بود از میان ۱۵ هزار کارتن‌خواب کشور، ۵ هزار نفرشان زنان هستند.
به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر چیت‌چیان با ارائه طرحی در ۹ جلد کتاب، تصویری از مناطق حاشیه‌نشین استان تهران تهیه کرده و به کارگروه اجتماعی وزارت کشور ارائه داده است. براساس یافته‌های او در منطقه ۱۲ تهران شامل محلاتی چون اودلاجان و دروازه غار وضع بسیار بحرانی است.
همایون هاشمی، رئیس سازمان بهزیستی حدود ۶ ماه پیش از شناسایی و اسکان ۲ هزار کودک خیابان‌خواب خبر داده بود. او تاکید کرده بود که بی‌خانمانی در میان زنان جوان گسترش یافته است.
رضا محبوبی، مدیرکل اجتماعی وزارت کشور و از حاضران این جلسه هم از زندگی ۱۸ میلیون ایرانی در سکونتگاه‌های غیر رسمی خبر داده و با اشاره به کاهش سرمایه اجتماعی کشور، نمره کشور را ۱۴ و نمره تهران را زیر ۱۰ ارزیابی کرده است.
بیشتر بخوانید: پنج‌هزار زن کارتن‌خواب ؛ ضعف ایمان یا کوتاهی مسئولان؟
او با ارائه آماری به حاضران از وقایع تلخی در ایران پرده برداشته که زنگ خطری جدی در زمینه معضلات اجتماعی را به صدا در آورده است؛ آماری که خود او هم اذعان داشته اعداد و ارقام واقعی آن ممکن است بیشتر از آنچه اعلام شده باشد.
محبوبی می‌گوید مصرف کنندگان الکل در جامعه حدود یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر هستند و سالانه ۶۰۰ هزار نفر وارد زندان‌ها می‌شوند.
نرخ طلاق دیگر معضل اجتماعی این روزها به روایت مدیرکل اجتماعی وزارت کشور است. در تهران از هر ۳ ازدواج، یک مورد طلاق ثبت می‌شود و در کل کشور این آمار به یک به ۵ رسیده است.
مدیرکل اجتماعی وزارت کشور اذعان کرده که "نظامات سابق قادر به حل مسائل نیست و از همین‌رو عناوین مجرمانه افزایش یافته است".
به گفته او اعتیاد جزء ۱۰ جرم نخست کشور ثبت شده و میزان جرح و ضرب هم افزایش یافته است. محبوبی تصریح کرده که "معتادان جلوی دانشگاه‌ها دیده می‌شوند و در مقابل خودروی پلیس مواد مصرف می‌کنند" و با شگردی جدید خودشان را به خودروها می زنند تا از این طریق پول بگیرند.
(آسمان دیلی نیوز - شهریور ۵, ۱۳۹۴)
[آیا سقوطی ازاین بیشتر را درتاریخ بشر خوانده، شنیده و یا دیده اید؟ آیا شنیدن چنین خبری نشان نمی دهد که تاچه اندازه

روحانیان حاکم برایران ازداشتن ابتدائی ترین احساس انسانی دور و عاجز اند. سکوت دربرابر این تجاوزات به حقوق انسانها با شنیدن و خواندن آنها و بی احساس گذشتن از آنها جرم به حساب می آید و بشر مترقی و پیشرو نمی تواند ازکنارآن ردشود و خودراقانع کند که بی عملی ما از "ناآگاهی" است!!؟- رنجبر]

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

بیش از ۴۰ درصد اقتصاد ایران معاف از مالیات

یک تحلیلگر اقتصادی با بیان اینکه بیش از ۴۰ درصد اقتصاد ایران تحت عناوین مختلف از پرداخت مالیات معاف هستند ، گفت: فشار مالیات تنها بر دوش ۳۰ درصد اقتصاد کشور سنگینی می کند.

سعید لیلاز در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی ایرنا با بیان اینکه این ۳۰ درصد شامل بخش تولید، کارمندان و دیگر اقشاری هستند که نمی توانند از پرداخت مالیات فرار کنند؛ افزود: درآمدهای مالیاتی نباید تنها نیمه روشن را در برگیرد بلکه دولت باید از فرار مالیاتی نیمه تاریک بخش اقتصاد هم که سهم عمده ای در افزایش درآمدهای دولت دارند، ممانعت کند.

وی علت سهم کم مالیات در تولید ناخالص داخلی را ناشی از دو عامل معافیت های مالیاتی غیرمنطقی و سهم زیاد اقتصاد زیرزمینی از کل اقتصاد یا همان فرار مالیاتی دانست و افزود: اقتصاد زیرزمینی یک چهارم اقتصاد کشور را شامل می شود که نمی توان از آنها مالیات دریافت کرد.

وی افزود: وقتی حکومت اعلام می کند که ۶۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی فقط در واردات قاچاق وجود دارد، مالیات برارزش افزوده آن در سال، حدود ۵ هزار میلیارد تومان می شود که خیلی عدد بزرگی است؛ یعنی فرار مالیاتی ناشی از واردات کالای قاچاق در ایران حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان در سال و معادل ۲۵ درصد کل درآمد مالیاتی دولت در سال ۹۴ است.

لیلاز با بیان اینکه اگر این رقم را به سایر بخش های اقتصاد که فرار مالیاتی داریم، تعمیم دهیم، حدود ۳۰ درصد اقتصاد با فرار مالیاتی مواجه است، افزود: اگر نظام جامع مالیاتی در ایران درست شود و دولت بتواند معافیت های مالیاتی را هدفمند کند و هیچ معافیت ابدی برای کسی قائل نشود، فکر می کنم درآمد مالیاتی ایران قابل افزایش تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برای سال ۱۳۹۵ برسد و یقین دارم انجام این اقدامات، برای دولت صرفه اقتصادی هم دارد.

لازم به ذکر است؛ بررسی ها نشان می دهد که درآمدهای مالیاتی دولت در لایحه بودجه سال ۹۴ حدود ۸۶ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده که چند برابر رقم فرار مالیاتی است که در ایران اتفاق می افتد و به گفته رئیس سازمان مالیاتی نیز ۴۰ درصد اقتصاد ایران مالیات نمی پردازند

۱۹ مرداد ۱۳۹٤ آ.د.ن..

دیکتاتوری و موادمخدر!

رژیم جمهوری اسلامی ایران بدترین و شقی ترین نظامی را درایران به وجودآورده و با ممانعت از ابتدائی ترین حقوق حقه انسانها، تشدید ازخودبیگانه گی آنها و به کارگیری شمشیر آغشته به خون نه تنها دزدی افسارگسیخته ای را درایران که نمونه آن را حتا دردوران نظام پادشاهی فئودالی نمی توان یافت برقرارساخته و این فساد تابدانجا توسعه یافته که سردمداران رژیم با شنیدن بوی الرحمان هشدار می دهند.

بنابراین عمومیت یابی موادمخدر حتا در سطح کودکان و دانش آموزان انعکاسی از اعمال دیکتاتوری و درعین حال بحران اقتصادی می باشد که بدون ازبین بردن این دو وضع سیاسی - نظامی و اقتصادی هر گونه توهم پراکنی درازبین بردن مصرف موادمخدر پوچ و بی معنا می باشد.

باتوجه به نکات فوق مطالعه نظر مسئوولان نظام نشان می دهد که تاچه حدی آنان درحل معضلات عمومیت یافته درگمراهی به سربرده و هیچ راه جدی و اصولی را پیدا نکرده اند و اگرهم می دانند که اقداماتشان بی ثمراست، ولی برای خالی نبودن عریضه تا بدان حد راه عوضی می روند که سازمانهای غیردولتی را برای جلوگیری از شیوع موادمخدر پیش می کشند که اوج درمانده گی آنها را نشان می دهد. برای نشان دادن درمانده گی رژیم درحل اولویتهای موجود درزیر به گزارشات مسئوولان گوش فرامی دهیم:

وجود ۱۳۰ هزار دانش‌آموز سوءمصرف‌کننده موادمخدر

۵ شهریور ۱۲۳۹٤

به گزارش گذارنیوز پرویز افشار درباره پیشگیری از مصرف مواد مخدر در محیطهای آموزشی با بیان اینکه مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر از اولویت‌های ضروری، انکارناپذیر و حیاتی در مملکت ما است، گفت: کمتر اولویتی را مشاهده می‌کنیم تا این حد مورد تاکید جدی قرار داده باشند.

وی افزود: امیدوارم سران سه قوه سهم خود را از این مبارزه مشخص کرده و به صورتی برنامه‌ریزی کنند که دچار روزمرگی نشده و این کار بزرگ نتیجه‌ای قابل قبول به دست آورد.

افشار با بیان اینکه اهمیت مبارزه با مواد مخدر فقط به خاطر معتادان نیست، خاطرنشان کرد: اگر در کشوری بلای اعتیاد افزایش یابد، بسیاری از شاخص‌های آن جامعه همچون شاخص‌های بهداشتی، سلامت، اجتماعی، فرهنگی، امید به زندگی، نوآوری و خلاقیت و... تحت تاثیر جدی قرار می‌گیرند. بنابراین مبارزه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

جمعیت مثمرثمر کشور مبتلا به اعتیاد هستند معاونت کاهش تقاضای ستاد مبارزه با مواد مخدر با تاکید براینکه کشور ما به دلیل همجواری با بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان یعنی افغانستان، آسیب‌پذیری بیشتری دارد، اظهار کرد: نرخ شیوع اعتیاد در کشور ما به گونه‌ای است که در این زمینه در جرگه کشورهای با نرخ اعتیاد متوسط به بالا قرار داریم. یعنی ۲,۶۵ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال ما یعنی جمعیت مثمرثمری که باید به کار بپردازند، مبتلا به اعتیاد هستند که اگر به این رقم کم‌توجهی شود، شاخص‌های مهمی در کشور را تحت تاثیر قرار داده و باعث افول شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود.

وی با اشاره به حساسیت بروز اعتیاد و سوق اولیه این پدیده به سمت جمعیت مهم دانش‌آموزی و دانش جویی تصریح کرد: اعتیاد در جمعیت دانش‌آموزی و دانش جویی گرچه به اندازه جامعه عمومی نیست، اما چشم‌انداز خوبی ندارد. چنانکه ۰,۹ درصد از جمعیت دانش‌آموزان ما براساس آخرین طرح ارزیابی سوءمصرف مواد در جمعیت دانش‌آموزی سابقه سوءمصرف مواد را دارند، البته این به معنای معتاد بودن این جمعیت نیست.

وجود ۱۳۰ هزار دانش‌آموز سوء مصرف‌کننده مواد مخدر

افشار افزود: این آمار نشانگر آن است که اگر این رقم را یک درصد در نظر بگیریم، از جمعیت حدود ۱۳ میلیونی دانش‌آموزان ما حدود ۱۳۰ هزار نفر سوءمصرف‌کننده مواد هستند که این رقم قابل قبول نیست.

وی ادامه داد: در جمعیت دانش جویی نیز آمار سوءمصرف مواد در میان دانش جویان وزارت علوم ۲,۶ درصد است. به عبارت دیگر در جمعیت دانش جویی هر کس که تجربه مصرف مواد را حتی به صورت تفننی داشته باشد، جزء ۲,۶ درصد محسوب می‌شود که این رقم هم خوب نیست.

معاون کاهش تقاضای ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: در میان جمعیت دانش جویان وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی این رقم ۱,۶درصد است که شاید دلیل پایین بودن این رقم آگاهی این گروه از دانش جویان و مرتبط بودن رشته تحصیلی آنان با موضوع سلامت و آگاهی آنها از مخاطرات استعمال مواد مخدر است. این آمار ما را به این سمت می‌برد که حداکثر حساسیت را نسبت به محیطهای آموزشی داشته باشیم.

شاهبیت مقابله با مواد مخدر در آموزش وپرورش اتفاق می‌افتد

وی با بیان اینکه در سند جامع پیشگیری از اعتیاد و نیز سیاست‌های تدوین شده چند محیط را هدف‌گذاری کرده‌ایم تا فعالیت‌های پیشگیرانه در آنها حداکثری باشد، اظهار کرد: این فضاها شامل فضای خانه، فضای محله، فضاهای آموزشی اعم از فضای آموزشی وزارت آموزش و پرورش، فضای دانشگاهی و فضاهای صنعتی و کاری است.

افشار اظهار کرد: فضاهای صنعتی و کاری وضعیت پیچیده‌ای دارند و شیوع مصرف مواد مخدر در جوامع صنعتی بالا است.

معاونت کاهش تقاضا با تاکید بر اینکه شاهبیت مقابله با مصرف مواد مخدر باید در جمعیت دانش‌آموزی اتفاق افتد، بیان کرد: سنین اواخر راهنمایی تا اواسط یا اواخر دبیرستان سنین حساسی هستند که معمولاً تجربه سوء مصرف در این سنین اتفاق می‌افتد، به‌گونه‌ای که ۶۵ درصد از افرادی که در دانشگاه‌ها سیگار یا مواد مصرف کرده‌اند اولین تجربه مصرف سیگار یا آشنا شدنشان با مواد در آموزش و پرورش اتفاق افتاده است.

وی ادامه داد: سن دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان بسیار حساس است، به‌گونه‌ای که افراد در این سنین دچار بلوغ شده و به عوارض ناشی از بلوغ همچون احساس کنجکاوی، احساس تشخص، احساس نیاز به کسب تجربه‌های جدید، نیاز به خودنمایی و... دچار می‌شوند و مواردی که همه آنها ممکن است؛ دانش‌آموزان را به سمتی ببرد که بخواهند مورد جدیدی در زندگی خود داشته باشند و ممکن است این مورد جدید مواد مخدر باشد.(اگراین ارزیابی درست باشد این پدیده درکلیه کشورهای جهان بایداتفاق بیافتد که چنین نیست ـ رنجبر)

۴۰ درصد بودجه‌های پیشگیری از اعتیاد ستاد به آموزش و پرورش می‌رود

افشار با بیان اینکه ما معتقدیم؛ دستگاه‌های متولی باید حداکثر توان را در این مقطع بگذارند، گفت: حقیقت امر آن است که ۴۰ درصد بودجه‌های پیشگیری از اعتیاد ما به وزارت آموزش و پرورش می‌رود. جمعیت دانش‌آموزی ما حدود ۱۳ میلیون نفر است. گرچه اعتبار ما خیلی زیاد نیست، اما هرچه در وزارت آموزش و پرورش رخ می‌دهد از محل بودجه ناقص ستاد است که اگر بخواهیم در جمعیت دانش‌آموزی سرشکن کنیم به هیچ عنوان کافی نیست.

وی اضافه کرد: براساس مصوبات جلسه ۱۲۸ ستاد مبارزه با مواد مخدر و مصوبات قبلی دستگاه‌های عضو کمیته فرهنگی پیشگیری از اعتیاد ستاد دستگاه‌ها مکلفند؛ چهار برابر بودجه تخصیصی ازطرف ستاد را از محل بودجه‌های خود و امضای تفاهم‌نامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دریافت کرده و به بودجه ارائه شده از طرف ستاد اضافه کنند و برنامه‌های پیشگیرانه را در وزارت آموزش و پرورش و در مدارس راهنمایی و دبیرستان جا بیندازند که متاسفانه این اتفاق نیفتاده است.

باید راه ورود سمن‌ها به وزارت آموزش و پرورش باز شود

معاون کاهش تقاضا عنوان کرد: با توجه به بضاعت اندکی که وجود دارد، اعتقاد داریم؛ دولت به تنهایی نمی‌تواند، نسبت به مبارزه با مواد مخدر اقدام کند. وزارت آموزش و پرورش هم به تنهایی نمی‌تواند، این کار را انجام دهد و باید راه برای ورود گروه‌های متخصص، NGOها و دلسوزان ساماندهی آسیب‌های اجتماعی به مدارس باز شود تا دانش‌آموزان در مقابل این بلا مصون شوند که متاسفانه این اتفاق نیز نیفتاده است.

وی با اذعان به اینکه سمن‌های بسیاری تلاش کرده‌اند، از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان و سایر طرق با مدارس ارتباط برقرار کرده و آموزش و مشاوره دهند و دانش‌آموزان و گروه‌های در معرض خطر را تحت پوشش برنامه‌های خود قرار دهند، تصریح کرد: اما مقاومتی در لایه‌های وزارت آموزش و پرورش وجود دارد که مانع انجام این کار می‌شود و این موضوع زنگ خطری جدی است. توصیه ما آن است که وزارت آموزش و پرورش این موضوع را به عنوان اولویتی اساسی در نظر گرفته و علاوه بر بودجه‌های ستاد به دنبال منابع خود و دستیابی به منابع جدیدی برای اجرای برنامه‌های مقابله با مواد مخدر باشد.

افشار اضافه کرد: اگر توان وزارت آموزش و پرورش کفاف نمی‌دهد، باید اجازه دهد که بخش غیردولتی این کار را دنبال کرده و به نتیجه برساند.

اقدامات آموزش و پرورش کافی نبوده‌است

وی ضمن تشکر از مسئولان آموزش و پرورش به دلیل اقداماتی که تاکنون انجام داده‌اند، گفت: به نظر می‌رسد؛ این اقدامات به هیچ عنوان کفایت نمی‌کند. به عنوان مثال با همکاری ستاد بعد از چندین سال تلاش در برخی کتب درسی مباحث مرتبط با مواد مخدر درج شده است، آموزش‌هایی از طریق برگزاری جشنواره جوان سالم ارائه شده و برنامه‌های نوآورانه مشترک بین ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر کنترل مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد و وزارت آموزش و پرورش وجود دارد، اما هیچ یک کافی نیست.

پوشش ۸ درصدی برنامه‌های پیشگیرانه آموزش و پرورش

افشار با بیان اینکه دانشمندان معتقدند ؛ برای توفیق در برنامه‌های پیشگیرانه باید ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت هدف را تحت پوشش این برنامه‌ها قرار دهند، اظهار کرد: در حال حاضر پوشش برنامه‌های پیشگیرانه در آموزش و پرورش حدود ۸ درصد است، یعنی تا رسیدن به سرمنزل مقصود

فاصله بسیار زیادی داریم.

وی گفت: باید از آموزش و پرورش سوال کرد که به چه دلیل دوستان این کار را دنبال نمی‌کنند یا به بخش غیردولتی اجازه ورود نمی‌دهند.

معاون کاهش تقاضا ادامه داد: من اعتقاد ندارم؛ در برنامه‌های مرتبط با کاهش تقاضا شامل پیشگیری، درمان و.... اقدامات باید از جنس کارهای دولتی باشد. من به ضرس قاطع اعتقاد دارم، جنس اقداماتی مانند اطلاعات، عملیات و مقابله با عرصه دولتی است، اما جنس اقداماتی مانند مشارکت، درمان، کاهش آسیب، اشتغال، حرفه‌آموزی و توانمندسازی از جنس کارهای غیر حاکمانه و مردمی است و ضروری است؛ فضا را باز کنیم تا انجمن اولیا و مربیان با متخصصان ارتباط بگیرند و مصونیت جمعیت دانش‌آموزی اتفاق بیفتد.

افشار خاطرنشان کرد: اگر تنها بخواهیم به کارهای دولتی اکتفا کنیم، آن هم با نگاهی انکارآمیز و با این تفکر که اگر کسی متوجه شود، در مدرسه‌ای معتاد وجود دارد؛ گویی که بلا نازل شده است، مشکل‌ساز است. زیرا چنین نگاهی بیشتر برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد را محدود می‌کند.

نباید در آموزش و پرورش نسبت به اعتیاد مقاومت وجود داشته باشد

وی تصریح کرد: مسئولان آموزش و پرورش باید بدانند که اعتیاد خاص مدارس نیست و سایر محیطها نیز ممکن است با سوءمصرف مواد یا اعتیاد مواجه شوند و این موضوع معضلی اجتماعی است و متغیرهای زیادی از جمله متغیرهای جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ژنتیکی و... دست به دست هم می‌دهند تا فرد معتاد شود. لذا آنچه اتفاق افتاده محصول آموزش و پرورش نیست.

معاون کاهش تقاضا عنوان کرد: با توجه به اینکه این وزارتخانه گلوگاه خوبی را به لحاظ سنی که اعتیاد در آن صورت می‌گیرد، در اختیار دارد باید اقداماتی انجام دهد تا این پدیده کمتر اتفاق افتد.

وی با تاکید بر اینکه پیشگیری ارزان‌تر و موثرتر از درمان است و توسعه برنامه‌های پیشگیرانه مقرون به صرفه است، بیان کرد: ضمن تشکر صمیمانه از تمامی دستگاه‌های فعال در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی باید تاکید کرد؛ این آسیب‌ها تولید آنها نیست و نباید نگران باشند اگرمسائل مربوط به آن فاش شود یا مداخله‌ای انجام شود مردم نسبت به آنها بدبین می‌شوند.

وی افزود: آموزش و پرورش فضایی است که انواع دانش‌آموزان با سطوح اجتماعی و اقتصادی متفاوت وارد آن می‌شوند و ممکن است، عارضه‌ای همچون اعتیاد یا زمینه گرایش به اعتیاد را با خود داشته باشد. باید این زمینه را به حداقل برسانیم، لذا نباید حساسیت یا مقاومت نسبت به این موضوع در آموزش و پرورش یا سایر دستگاه‌ها وجود داشته باشد.

★

درجنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

بزرگ ترین آن سرمایه گذاری ۲,۵ میلیارد دلاردرتولید ماشین جدید با ۲۵۰۰ شغل بود. باوجود این توافق و علارغم دریافت میلیونها رئال دلار درحذف مالیات توسط دولت فدرال در۲۰۱۴، جنرال موتورزتعداد زیادی از کارگران را تحت عنوان طرح استعفای ارادی بیکارنمود و شروع به ازبین بردن صدها شغل دیگرتحت عنوان کناره گیری موقت نمود.

دراوایل۲۰۱۵، شرکت ۸۰۰ کارگر را تهدید به اخراج نمود، که باعث اعتصاب درواحد کارگردید. درتلاشی برای اجتناب از اخراج کارگران ایست تاریخی ۶ روزه در درون کارخانه رااتخاد کردند که در دوشنبه اخیر در ۱۰ اوت پایان گرفت.

اخراج جاری در سائو خوزه دوس کامپوس یکماه بعداز اخراج ۵۰۰ کارگردر کارخانه سائو کاتانو و هفته ها بعداز اعلام یک میلیون دلار سود در ربع دوم ۲۰۱۵، افزایش ۳۰۲٪ درمقایسه با سال پیش درهمان زمان دردوشنبه ۱۰ اوت پایان گرفت.

درمقابله با اخراج کردنها، فلزکاران شرکت شروع به اعتصاب نمودند، که به روز چهارم در چهارشنبه ۱۳ اوت رسید، و نیاز به هم بسته گی بین المللی دارند(رجوع شود به پیشنهاد حمایتی درزیر)

درجمعه اخیر، ۱۴ اوت ساعت ۸ صبح فلزکاران جنرال موتورز در سائو خوزه دوس کامپوس عملی دفاعی در دفاع از شغلها راشروع کردند و از دوستان درسراسرجهان خواستند تا آنهابه حمایت از این ابتکارمبارزاتی پرداخته، با ارسال عکسها ، با حمایت توسط پوسترها، همبسته گی نامه ای و غیره بپردازند.

سازمانهای فرانسه، مثلا تاکنون نامه هائی به سفارت برزیل درکشور، فرستاده و از دولت رئیس جمهور دیلما روسوف خواستند به نفع کارگران وارد عمل شود.

همبستگی بین المللی از رفقا برای رسیدن به پیروزی درمبارزه علیه اخراج سازیها و دفاع از ثبات شغلی.

بعداز تکمیل کنترات شغلی و حذف آن درمارس ۲۰۱۳، اخراج ۵۹۸ فلزکار، باعث احساس ناراحتی در برنگشتن به کار آنان درشهر شد.

همچنین به غیراز مبارزه برای دفاع از شغلها، اتحادیه و جنرال موتورز به توافقی در سرمایه گذاری در کارخانه محلی، و بیشترین مبلغ ۲,۵ میلیارد دلار رئال سرمایه گزاری درتولید خودروهای جدید، با ایجاد ۲۵۰۰ شغل رسیدند.

همبستگی با کارگران جنرال موتور اعتصابی در برزیل

ما همبستگی مان را با فلزکاران اعتصابی جنرال موتورز در سائو خوزه دوس کامپوس که در دوشنبه اخیر، ۱۰ اوت علیه اخراج سازیهای اعلام شده توسط شرکت در شنبه ۸ اوت، اعلام می کنیم.

درآستانه روز پدر، جنرال موتورز اخراج سازی کابوئی، تلفونی صدها کارگراعلام نمود. باردیگر ماشین سازان بدون نرمش پذیری عمل کردند، در اخراج کردنها بدون گفت و گو با اتحادیه، که مایل به یافتن راه حلی در اخراج کردنها است.

ازبین بردن شغلها دریک ماه بعداز اخراج ۵۰۰ کارگر ماشین ساز در کارخانه سائو کاتئانو دو سول و هم زمان وقتی که یک گروه فلزکار به کارخانه سائو خوزه دوس کامپوس بعداز ۵ ماه بیکارسازی موقت (اخراج موقت قرارداد کاری) برگشتند.

کارگران برزیل درجریان بالارفتن تورم، بهای برنج، مالیاتها، باحذف حقوق کار و اخراج سازی درچندین بخش باخشونت جریمه شدند. اخراج سازی نوئی این سناریو را بدتر خواهندکرد.

ماشین سازان دربرزیل در ردیف دوم فروش قراردارند و میلیونها دلار سود درنیمه دوم امسال رسانده اند. این سود ۳۰۲٪ بالاتر از سود سال گذشته درهمان وقت است.

به علاوه؛ ماشین سازانی مثل جنرال موتورز درسالهای اخیربیش از ۱۱ میلیارد رئال دربخشوده گی مالیات تولیدات صنعتی(م.ت.ص.) دریافت کرده و هم چنین ازبخشوده گی مالیاتی سودبرده اند.علاوه بر تضمین حفظ شغلها، سازنده گان اتوموبیل با ۲۷ میلیارد رئال سود ۷۶۰۰ کارگر

را امسال اخراج کردند.

باتوجه به میلیاردها رئال تضمین شده در قطع مالیات، به دولت فدرال و حکومت محلی واجب است به نفع جلوگیری از اخراج سازیها واردعمل شوند.

ما از رئیس جمهور دیلما درخواست می کنیم با اقدام موقتی ثبات شغلی را تضمین کند و کم کردن ساعات کار روزانه بدون کم کردن مزد اقدام نماید.

خواست ما:

- الغاء بیکارسازیها
- تثبیت شغل
- کم کردن ساعات کار روزانه بدون کم کردن مزد و تخفیف عادلانه

این قطعنامه فرستاده شود به :

دیلما روسوف رئیس جمهور

gabinetesg@sjc.sp.gov.br

حاکم جرالدو آلکمین

alkmin@ sp.gov.br

prefeito@sjc.sp.gov.br

شهردار سائو خوزه دوس کامپوس کارلینهوس آلمئیدا

arturbernardo.neto@gm.com:

جنرال موتورز

رونوشت به:

ـ اتحادیه فلزکاران سائوخوزه دوس کامپوس و منطقه:

secretaria@sindmetalsjc.org.br

20/8/2015

ازطرف کمیته هماهنگی جنبش کارگران ایران درخارج

به کارگران اعتصابی جنرال موتورز در سائوخوزه دوس کامپوس

دوستان کارگر، رفقا،

اعتصاب نامحدودمبارزه جویانه شما علیه رهبری جنرال موتورز درمخالفت با بیکارسازی ۷۹۸ همکارشما مبارزه ای طبقاتی است دردفاع از حقوقتان درکار و تامین امنیت شغلی.

جنرال موتورز بنابرماهیت اش ضد کارگر است و قصد نه تنها تصاحب سودهای بیشتر بلکه رقابت با رقیبان جهانی اش برای کسب موقعیت ممتازرا دارد. این خونخواری سفته بازان که باید به هدفشان برسند به حساب بیکارسازی کارگران، فقر و فلاکت آنان است. حق اعتصاب شما سد بزرگی درمقابل تجاوزات به حقوق کارگری می باشد.

درایران دهها و صدها کارگر روزانه برای کسب سودبیشتر اخراج می شوند....

پیروزباد اعتصاب کارگران مبارز برزیل جنرال موتورز در خوزه دوس کامپوس و سائو کائتانو زنده باد هم بسته گی بین المللی طبقه کارگر

کمیته های همبستگی با جنبش کارگری ایران درخارج

nhkommittehamahangi@gmail.com

اعتصاب عمومی در هند، ۱۵۰ میلیون کارگر، کار را متوقف کردند.

تظاهرات در بنگال غربی

۱۰ تشکل سراسری اتحادیه ها و اعضای اتحادیه ها، برای امروز اعتصابی عمومی را فراخوانده اند.

در این اعتصاب عمومی که علیه سیاست های نئولیبرال حاکمیت حزب "بهاراتیا جاناتا" و وزیر دارائیش آرون جایتلی سازماندهی شده، به گفتهٔ گورواداس داسگوپتا دبیر اول بزرگترین اتحادیهٔ سراسری هند (کنگره عمومی اتحادیه های کارگری هند) ۱۵۰ میلیون انسان شرکت کرده اند.

اعتصاب برعلیه برنامه هایی است که حکومت می خواهد با قوانین تازه اش بخش راه آهن را خصوصی سازی کرده و سیستم سلامت و بهداشت را تعدیل نماید.

اعتصاب همچنین علامتی بود برای افزایش چشمگیر حداقل دستمزد در هند به نسبت دولت های ایالتی در سراسر کشور، از ۵۰۰۰ تا ۹۰۰۰ روپیه، به طور یکسان تا ۱۵۰۰۰ روپیه (۲۳۰ ئورو).

دولت هند تا کنون با افزایش حداقل دستمزدها مخالفت کرده و همزمان به اتحادیه ها فشار می آورد تا سازماندهی برای افزایش تعداد حداقل اعضاء در کارگاه های کوچک را با مشکل مواجه سازد.

این قوانین شامل بیش از ۱۵۰ لایحه مربوط به گسترهٔ سراسر هند و همچنین دولت های ایالتی است که "ب ج پ" (حزب "بهاراتیا جاناتا")به مجلس برده است.

اتحادیه ها می خواهند مانع از تصویب این قوانین شده و به جای خصوصی سازی، خواهان اصلاح سیستم دولتی سلامت و بهداشت و همچنین اتمام سیستم حمل و نقل می باشند.

آنها برای خواسته هایشان و همچنین این اعتصاب عمومی از طرف بزرگترین احزاب چپ مثل: ک پ ای (حزب کمونیست هندوستان) مورد حمایت قرار گرفتند. دبیر اول این حزب زودهاکار رد، گفت: "این اعتصاب یک موفقیت بزرگی بود و توانست بیش از انتظار بسیج کند. این یکی از بزرگترین کارزارهای طبقهٔ کارگر بود و هشدار نیرومندی علیه قوانین ضد کارگری حکومت هندوستان است". در جریان این اعتصاب در بسیاری از ایالات، اتوبوس ها، قطارها، بنادر و همچنین نساجی ها و قطعه سازان کوچک دست از کار کشیدند.

****

حزب مارکسیست ـ لنینیست ترکیه

infomlkp@gmail.com -

۲۸ اوت ۲۰۱۵

آک.پارتی وکودتای رئیس جمهور اردوغان و جنگ مستعمراتی

در۲۴ ژوئیه ۲۰۱۵ دولت آک پارتی و ط. اردوغان، که برنده انتخابات آخری نبود، شروع به جنگ مستعمراتی جدید نمود برپایه انکار انتخابات در کشور و فراترازآن. با این دیدگاه تهاجمی و سیاستهای مطلق، منطقه جنگی درکردستان شمالی و جنوبی بمب باران شد. روجاوای کردستان درمعرض تهدیدقرارگرفت و به دنبال این سیاست عملیات نسل کُشانه درکشور، ۱۰ هزارنفر ازانقلابیون و انسانهای مترقی و نیروهای میهن دوست کردتوقیف وزندانی شدند. نتیجه این بمباران چندروزه هفته ی اخیر، تعدادی از اعضای حزب نیروی دفاعیHPG، سروان وارتو(ئوندر ارسلان)، عضو شورای فرماندهی، کسی که همبستگی بزرگی با حزب ما درمنطقه پارتیزانی پ.ک.ک.داشت، و ۳ رفیق اش کشته شدند. تعدادی غیرنظامی زخمی گشتند. و درجنگلهای کردستان به آتش کشیده شدند. دراین عملیات کشوری گونای ئوزارسلان از DHKP-C اعدام شد.

دولت آک پارتی و اردوغان صاحب قصر، کسی که با انتخابات ۷ ژوئن با شکست بزرگی روبه روشد کودتائی قصری با کمک میت (سازمان امنیتی ملی)، ژنرالهای فاشیست، ضد جنگ پارتیزانی، و امپریالیستها به انجام رساند. این نیروهای غیرنظامی کودتا که قدرت را با دیکتاتوری گرفتند نتایج انتخابات را نپذیرفتند و شروع به حرکت درجهت انتخابات جدید تحت شرایطی جنگی و سیاسی خانه من نمودند. هدف آنها تقویت و ابدی ساختن رژیم فاشیستی اسلامی شان می باشد. شکست انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵ بدان معنابود که سیاستهای خاورمیانه ای دولت آکپارتی ورئیس جمهور ط. اردوغان دررابطه با روجاوا و همچنین سیاست انکار، آشفته و دورزدن "دوره ای راه حل"درمورد مسئله کرد با شکست مواجه شده است. چون که ه.د.پ. درصدد گذار ازموانع شده است. روجاوا تاثیر بزرگی در تکامل سیاسی و توازن قوا داشته است. یکی از نتایج انتخابات رویائی اردوغان درمورد

ریاست جمهوری باشکست مواجه شد. باعدم دست یابی به ۴۰۰ نماینده مجلس، آک. پارتی همچنین نتوانست به اکثریت مطلق برای تشکیل دولت توسط خودش دست یابد.

دراین انتخابات آک پارتی از کردستان شمالی حذف شد. روشن شد که برای یک راه حل، وحدت مردمی و مبارزه لازم است و این راه حل واقعی است. به علاوه، همکاری رژیم فاشیستی با داعش و هدایت جنگی کثیف علیه کردها و دیکر خلقها درمنطقه ما مورد افشا قرارگرفت. توافق آمریکا و سازمان ملل با ایران، دولت بورژوائی ترک را مجبورساخت تا تغییراتی درسیاستهایش به وجودآورد. او با بازکردن پایگاهایش، زندانی کردن و بمباران نمودن، خواست نشان دهد که علیه داعش می باشد. عکس العمل طبقه کارگر و خلق ما در منطقه ترکیه و شمال کردستان بیش ازپیش علیه همکاری آک.پارتی و دولت بورژوائی ترکیه با داعش شد علیه سیاستهای مغشوش باتوجه به درخواستهای علویها و راه حل مسئله کرد؛ علیه سیاستهای خفه کننده با توجه به انقلاب روجاوا؛ علیه قتل عام کارگران معدن سوما؛ علیه غدغن ساختن اعتصاب و شورش کارگران فلزکار؛ علیه قانون امنیت داخلی. پایه های انتخابات اجتماعی آک.پارتی به روند گسست رسید.

روشن بود که مبارزه برای انقلاب متحد روجاوا درخاورمیانه گرایش به رشد دارد. انقلاب روجاوا، مقاومت درکوبانی و دولت دموکراتیک به معنای آن بود که خلق در خاورمیانه سرنوشت خود را به دست گرفته است و نظام خود را به وجودآورده است. این فراخوانی بود به نیروهای امپریالیست و ارتجاع منطقه ای در منفصل شدن از خاورمیانه. به این مفهوم قتل عام سوروج علیه جوانان کمونیست و ادامه حملات سیاسی و نظامی درکشور و درمناطق جنگ پارتیزانی انعکاس برخوردبین انقلاب و ضدانقلاب بود. این گواهی بود برای امپریالیسم، ارتجاع منطقه و رژیم فاشیستی استعماری ترکیه ناخشنود از این انقلاب با گرایش خیزشی و گسترشی و توافق باهم درمداخله کردن. اختلافات سیاسی بین آنها آئینه خصلت نما ی آنها می باشد.

این حملات در دیدار شورای امنیت ملی گرفته شد. بعداز شکست انتخاباتی آنها شروع به عمل نمودند. اولین نمونه ها درحملات آنها علیه ه.د.پ. در دوره انتخابات بود. دفتر ه.د.پ. در آدانا و مرسین بمباران شد، ماشین ه.د.پ. در ارضروم به آتش کشیده شد، و در پنجم ژوئیه انفجاری در راه پیمائی بزرگ در آمد صورت گرفت. دراوایل اینها حملات ضدانقلابی بودند که توسط رژیم فاشیستی ترکیه سازمان داده شد که میت، ضد جنگ پارتیزاتی و داعش. آکپارتی و اردوغان درآن شرکت نمودند. اردوغان به هدایت حمله به جوانانی پرداخت که روی خودرا درجریان تظاهرات می پوشاندند: براساس قانون داخلی امنیتی "هرچه لازم شد بایدکرد!". این به روشنی به معنای تیراندازی و دستگیری وسیع می باشد. رژیم فاشیستی وارد چنین حمله غیرقابل کنترل گردید. روزهای قبل ازانتخابات ۷ ژوئیه میت و ضد شورش به آماده سازی تحریک آمیز ازجمله توسط ارتش درشهر آگری کُرد پرداختند. طرح عبارت بوداز اینکه گروهی سرباز انتخابی از شهرهای مختلف ترکیه می بایستی به فعالان در آگری حمله می کردند، که پارتیزانها واردعمل شوند، که سربازانی کشته می شدند و "شهیدان" به تمامی جهات ترکیه فرستاده شوند. این باعث ازدست دادن آراء ه.د.پ. می توانست بشود. مع الوصف، خلق کرد به این تحریکات جواب نداد. سربازان مجروح به بیمارستانها توسط مردم کرد برده شدند.

رهبرمیت ح. فیدان دلیل اشغال را چنین بیان داشت: " ما اجازه خواهیم داد تا ۲ راکت از سوریه شلیک شود و طرح را شروع می کنیم". چنین روش کثیف به مثابه یک سنت دولتی همیشه وجود داشت و آنها از آن استفاده می کردند. حمله به جوانان در سوروج سازمان داده شده توسط میت، تعداد زیادی از جوانان فدراسیون انجمن جوانان سوسیالیست را کشت، آخرین نمونه حملاتی مشابه بود. دولت استعمارگر کشتاررا سازماندهی کرد و آن را دلیل برای شروع دوباره جنگ استعماری قلمدادنمود. قدرتهای رهبری کننده آمریکا، روسیه و دیگرکشورهای امپریالیستی تسلیت گفتند به دولت ترکیه درمورد این کشتارکه توسط دیکتاتور ی فاشیستی سازمان داده شده بود. درچنین وضع سنتی نیزپی ریزی حزب کمونیست ترکیه در ۱۹۲۱ دغلبازانه تشکیل شد. این حالت نشان داد که " اگرکمونیسم به این کشور واردشود، آن وقت اگرما آن را تنها اینجا بپذیریم". این وضع با تلاش سخت بخش کردی، علوی و جنبش چپ خودش را ایجاد می نماید.

دولت بورژوائی ترک بخشی از جنگ درخاورمیانه درتوافق با آمریکاودادن برخی امتیازات بود. این نمایش بزرگی امروز است در ریختن بمبها درمنطقه داعش، چون که داعش، اردوغان و آکپارتی دارای پایگاه واحد سیاسی و ایده ئولوژیک می باشند. دولت اسلامی و جهاد هدف عمده واحدی دارند برای دو قدرت در منطقه سنی نشین خاورمیانه.

درترکیه به داعش دعا شد به صورتی وسیع در استامبول ـ ئومرلی طی ماه رمضان و درخواست جهادشد. بعداز دعای جمعه درمسجد فاتح دراستامبول ۲۰۰۰ نفر جاده رابستند با پرچمهای داعش و شعار دادند. ترکیه منطقه کشاورزی ویژه برای داعش جهت تمرین دهی و حمایت نظامی را امضاکرده است. چون که داعش از گیر اسپی رانده شد، این محل دیگر مورد استفاده قر ارنگرفت. جمهوری ترکیه برای داعش افراد را استخدام می کند ازطریق تیکا(همکاری ترکیه و آژانس هماهنگی) در مقدونیه، بوسنی ـ هرزگووین، آلبانی و دربالکان و ازتمرین دهی آنان حمایت می کند. ما از اردوگاه تمرین دهی ، بیمارستان و فارمهای کشاورزی داعش هم صحبتی نمی کنیم. رژیم استعمارگرباید یک زندانی کردنها را درآینده سازماندهی کند به طوری که آمریکا و اتحادیه اروپا رضایت بدهند. شاید یک برخوردهای مسلحانه پیش بیاید. مع الوصف ، روابط بین آنها ایده ئولوژیک سیاسی است. به این علت داعش درنظر گرفته می شود مثل هدفی امروزه درست مثل محاکمه پیش قضاوتانه.

حمله واقعی علیه پ.ک.ک. است، مبارزان آزادی کرد، نیروهای انقلابی و کمونیست . هدف این حملات نظامی و سیاسی است. این حملات در کشور و مناطق تداوم می یابند. رهبری کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی قصدشان جلوگیری و خاموش کردن تکامل انقلابی، امکانات و گرایشات در منطقه جغرافیائی ما است. اما مردم ایستاده اند و با انجام فعالیتشان نشان می دهند که آنها دراین جنگ با خواست و سازمانهای سیاسی شان شرکت می کنند.

حمایت و رابطه با انقلاب روجاوا و مقاومت درکوبانی ساخته می شود و به معنای حمایت و رشد انقلاب درترکیه و کردستان و همچنین انقلاب درخاورمیانه می باشد. جنگ نواستعماری تحمیل شده بر خلقمان و قدرتهای انقلابی علیه صلح، آزادی و علیه برادری خلقهاست. دولت آکپارتی فاشیست به زهرآگین نمودن جامعه با شووینیسم و ارتجاع مذهبی به خاطر تعیین و ابدی سازی رژیم فاشیستی اسلامی مشغول است. بدین منظور خشونت ضدانقلابی و جنگی کثیف به کارگرفته می شود.

حزب ما ... درمنطقه و تمامی جاهه های این جنگ به طور فعالی حضوردارد. حزب ما... طبقه کارگر و خلقمان را فرامی خواند به خیابانها بریزند فعالیت مشترک علیه کودتای ضدمردمی و جنگ کثیف را پیش ببرند. حزب ما کمونیستها، احزاب انقلابی و مترقی؛ اتحادیه ها، سازمانهای دموکراتیک، پلاتفزمها و قدرتهای جهان را فرامی خواند درجلو این جنگ و آکپارتی فاشیست بایستند و هم بسته گی انترناسیونالیستی را نشان دهند. تمام هیئت نماینده گی، سازمانها و سفارتخانه های دولت ترکیه بایستی هدف اعتراض و محکوم شدن باشند.

زنده باد انقلاب سوسیالیستی!

زنده باد انتزناسیونالیسم!

زنده باد انقلاب روجاوا و مقاومت درکوبانی!

****

هماهنگ کننده گان کنفرانس جهانی زنان

دورگا پاودل، جومس سالوادور، ساریتا ماهارجان، شیلا سینگ منونیلوکشیکا دو سیلوا، جولی تالوکدر(نماینده گان)

۸ اوت ۲۰۱۵

ما، هماهنگ کننده گان کنفرانس جهانی زنان، قلبا شما را ازکلیه قاره ها به **دومین کنفرانس جهانی زنان از ۱۵ ـ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۶ درکاتماندو، نپال کاپان اکتا باستی** دعوت می کنیم؛

تمامی هماهنگ کننده گان کنفرانس جهانی زنان از قاره های دیگر.

زنان گرامی،

به کلیه زنان علاقمند آسیا

به کلیه ی هماهنگ کننده گان کنفرانس جهانی زنان دیگر قاره ها.

زنان گرامی،

شرکت در کنفرانس برای تمامی زنان علاقمند آسیا درنقش داشتن در روند کنفرانس جهانی زنان آزاد است.

هدف این کنفرانس آماده سازی دومین کنفرانس جهانی زنان در ۲۰۱۶ است، که درنپال برگزار خواهدشد.

به علت محدود بودن ذخیره مالی این کنفرانس، ما باید مسئوولیت برخی مخارج کنفرانس را ازطریق شرکت کننده گان، افرد یا سازمانهایی که نماینده گانشان شرکت می کنند، را به عهده بگیریم.

۱. هرشرکت کننده باید ۲۵۰۰ روپیه نپال برای اقامت از ۱۴ تا ۱۶ طی کنفرانس رابه عهده بگیرد.

۲. شرکت کننده گان بایدخود مسئوول مخارج رفت و برگشت از فرودگاه به کاپان ئکتا باشند.

۳. اگرشما قصد اقامت طولانی تری را داشته باشید، باید براساس قواعد کاپان ئکتا مبلغ بیشتری بپردازید.

۴. مخارج ۲۵۰۰ روپیه نپال شامل سه شب خواب، ۱ وعده غذا در ۱۴ و ۱۵ و۱۶ خواهدبود.

خواهران عزیز،

ما ارزش زیادی برای حمایتهای عملی، سیاسی و مالی شما قائلیم.

در انتظار اسم نویسی شما تا پنجم سپتامبرآخرین وقت در:

saritadangol@yahoo.com

و ورود تان در۱۴ سپتامبرمی باشیم.

شما شاید مایل به ارتباط گیری باشید:

Ms Durga Paudel Mobile 00977- 9851198810

ویا

Ms Sarita Dangol Mobile 00977- 8941362705

تماس بگیرید.

ما درانتظار دیدار تمامی شما با نظرات خلاقانه درغنی کردن کنفرانس جهانی زنان در۲۰۱۶ هستیم.

دورگا، جومس، ساریتا، شیئلا(هماهنگ کننده گان)

منو،جولی(نماینده گان)

برای اطلاع بیشتر:

www.worldwomensconference.org

زمان بندی و برنامه دیدار

روزاول: ۱۵ سپتامبر

(صبحانه ۸ ـ۹ قبل ازظهر)

جلسه ۱:مقدمات

(۹ـ۱۰,۳۰)صبح افتتاح هیئت رئیسه (هماهنگ کننده گان)

خیرمقدم گوئی(ازجانب کشور به میهمانان)

تایید زمان بندی دیدار، برنامه و دیگرفعالیتها مقدمه دیدار نمایئده گان و سازمانهای مربوطه ۱۰,۳۰ـ ۱۱ صبح ، تعطیل برای نوشیدن چای

جلسه۲: بحث درمورد ایجاد آماده گی برای کنفرانس جهانی زنان در۲۰۱۶

۱۱ـ۱۲,۳۰ گزارش و بحث درباره تصمیمات و قطعنامه ها در چهارمین دیدار هماهنگ کننده گان جهانی درمورد کنفرانس جهانی زنان در کاتماندو

(ناهار : ۱۲,۳۰ ـ ۲,۰۰ بعدازظهر)

۲,۰۰ـ ۴,۰۰ بعدازظهر گزارشات و بحث روز از وضعیت زنان در کشورهای آسیا

۴,۰۰ـ ۴,۳۰ بعدازظهرتعطیل چای

۴,۳۰ـ ۶,۰۰ بعدازظهر ارائه و بحث درمورد گزارش وضعیت منطقه آسیا درمورد رشد کنفرانس آسیا

تعطیل جلسه

۶,۰۰ ـ ۷,۰۰بعدازظهر شام

روزدوم: ۱۶ سپتامبر

(صبحانه : ۸,۰۰ـ ۹,۰۰)

جلسه ۳: برنامه ریزی آماده سازی برای کنفرانس جهانی زنان (کجز)

۹,۰۰ـ ۱۰,۳۰ صبح تجدید آماده ساز یها برای دومین کجز ۲۰۱۶ ازجانب کشور دعوت کننده

باز گشائی فوروم

۱۰,۳۰ـ ۱۱,۰۰ صبح تعطیل چای خوردن

۱۱,۰۰ ـ ۱۲,۳۰ صبح آماده سازی کجز ۲۰۱۶(شرکت، وسایل، مالی، وظایف هماهنگی)

(تعطیلی ناهار: ۱۲,۳۰ ـ ۲,۰۰ بعدازظهر)

۲,۰۰ـ ۳,۳۰ بعدازظهر قطعنامه ها، تصمیمات، متفرقه، پایان دیدار

به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

مبارزه قهرمانانه ... بقیه از صفحه آخر

برای این که «من به شما بدهکارم».
سیستم‌مالی‌حاضر بر اساس‌بدهی‌استوار است.
وضعیت مضحک این است که، بازار اوراق قرضه تنها زمانی می تواند رشد کند، اگر بدهی های بیشتری موجود باشد.
چگونه می تواند امر خوبی باشد اگر بدهی های بیشتری موجود باشد، بدهی هایی که نمی تواند پرداخته شود که بازار اوراق قرضه را حفظ کند؟ اما، بانک های بزرگ جهانی و بانک های مرکزی طرفدار بدهی های بیشتری هستند، به دلیل این که از این طریق است که بانک ها پول می سازند. آن ها سود خود را از روی بدهی هایی که ایجاد می کنند می سازند. کشورهای جهان آنقدر بدهی بالا آوردند که به معنی واقعی در بدهی غرق شدند و سرکرده این کشورهای مقروض ایالات متحده می باشد. بنا براین، به این نتیجه می رسیم که بازار اتراق قرضه ایالات متحده بزرگترین بازار اتراق قرضه (باند) در جهان می باشد.
با این حال، شما را شستشوی مغزی داده اند که قبول کنیم که اوراق قرضه (من به شما بدهکارم) ایالات متحده، «بهترین امنیت خاطر» برای شماست و شما باید برای زندگی عزیزتان محکم به دلار کاغذ توالتی ایالات متحده بچسبید.
چقدر این برداشت، می تواند احمقانه باشد؟
نوای خوش دیگر آنها این است که بدهی = پول (پول تقلبی) و یا بنا به گفتار صاحبان بانکها، اعتبار = چرا چنین پول هایی «تقلبی» هستند؟ دلار کاغذ توالتی ایالات متحده و هم چنین تمام پول.پول های بدون پشتوانه، مؤکداً پول های تقلبی هستند چنانکه، این پول دارای هیچ گونه ارزش ذاتی نمی باشد، مثل ارقامی که بر روی تکه کاغذ بی ارزش هک شده یعنی ۱۰۰ دلار، ۱۰۰ یورو، ۱۰۰ پوند و ۱۰۰ یوان پوند و غیره. و این پولهای بی ارزش می بایست توسط زور قانون مورد قبول قرار گیرد (به عنوان مثال قوانین مناقصه حقوقی)، که بدون آن، این پول به عنوان کاغذ بی فایده تلقی می گردد.
از این دنیای بی رحم و پوشالی پول کاغذ توالتی، این پول های تقلبی، از باد هوا، دیجیتالی توسط یک حرکت (کلک) ماوس کامپیوتر یک بانک بوجود آمده اند. مقدار کمی از پول های کاغذی جهانی توسط بانک های مرکزی چاپ شده است. این پول ها به منظور تسهیل معاملات نقدی به چاپ می رسند. اما، بخش عمده ای از پول های تقلبی در سراسر جهان از طریق سیستم پرداخت جهانی و تماماً پول های دیجیتال پخش و پلا (رایج یا پراکنده) هستند، ارقام بیشتری در صفحه کامپیوتر.
این فریبکاری بزرگ چیست که کل مردم جهان را فریب داد، زمانی که ایالات متحده بعد از جنگ جهانی دوم به ابرقدرت بلامنازع تبدیل شد؟
این نوای احمقانه ایست که اوراق قرضه (بدهی) خزانه داری ایالات متحده، «بهترین امنیت» می باشد و «پناهگاه امن پولی نهائی» در جهان است!
باید مکث کرد و با شیوه انتقادی برخورد کرد. آیا تا به حال هرگز مکث کرده اید و با تعمق جدی و کافی در مورد سرود گوشخراش مال فکر کرده اید؟
در تمام طول این سالها شما نمی توانستید درست فکر کنید. ذهن شما و مهارت تفکر شما در وضعیت بلا تکلیفی قفل شده بود، به حالت معلق از واقعیت به طوری که بانک های جهانی بتوانند شما را در برده گی دائمی بدهی حبس کنند. به خاطر اینکه اگر شما مغز خود را بکار انداخته بودید و تنها از عقل سلیم خود استفاده می کردید، شما می توانستید نوای گوشخراش بانکها را رد کنید و می فهمیدید که کل سیستم مالی جهانی یک طرح کلاه برداری [۱] جهانی بیش نیست!
چگونه می توان یک نسبت باند/اوراق قرضه (به خصوص نسبت باند/اوراق قرضه ایالات متحده) را همواره « بهترین امنیت » در نظر گرفت؟
الف -۱۰۰ هزار دلار به ب مدیون است، این بدهی در طول یک سال پرداختنی است.
اما ب نیاز به پول نقد دارد و می خواهد ۱۰۰ هزار دلار از شما قرض بگیرد. او هیچ گونه ضمانتی به غیر از «سندی که من به شما بدهکارم» از الف ندارد (یعنی همان اوراق قرضه). آیا شما حاضرید مبلغ ۱۰۰ هزار دلار به ب قرض دهید آنهم توسط فقط یک وعده از جانب الف که او در طول یک سال آینده ۱۰۰ هزار دلار به ب - خواهد پرداخت که در صورت اتفاق، ب قادر به پرداخت بدهی به شما نباشد؟
بدیهی است، اگر الف مولتی میلیونریست و شناخته نشده است که در بدهی های خود قصور کرده باشد، شما ممکن است به خوبی بدهی الف را به عنوان تضمین برای دادن وام که در نظر دارید به ب بدهید، بپذیرید. حتی پس از آن، این عمل یک «اگر» بزرگی است! موضوع منوط بودن بر «اعتبار» و «اطمینان» است.
ایالات متحده بزرگترین بدهکار در کل جهان می باشد. این برای همگان تصدیق شده است که از نظر فیزیکی غیر ممکن است که ایالات متحده قادر باشد تمام بدهی های خود، چه داخلی و چه خارجی را بپردازد. هم چنین ایالات متحده تا به حال بارها در پرداخت بدهی های خود قصور کرده است، جدی ترین آنها در سال ۱۹۷۱ بود، زمانی که ایالات متحده تحت ریاست جمهوری نیکسون راجع به قولی که ایالات متحده داده بود که دلار آمریکا قابلیت از گرو در آمدن (بازخریدن) با طلا بنا بر نرخ توافق شده اونسی ۳۵ دلار را داراست، انکار کرد. ایالات متحده آنقدر اسکناس چاپ کرده که این کشور به اندازه کافی طلا برای حمایت نرخ مبادله با ۳۵ دلار در هر اونس طلا را نداشت.
ایالات متحده قادر به بازپرداخت هیچ یک از بدهی ها و سود های افزوده شده به بدهی ها از آن روز مهیب تا به حال نبوده است. تمام کاری که ایالات متحده انجام داده است این است که پول دیجیتالی کامپیوتر «چاپ» کرده برای پرداختنی ها که صورت گیرد. متناوباً، ایالات متحده «من به شما بدهکارم» (یعنی باند ها) را به بستانکارانی مثل چین، ژاپن و غیره صادر می کند، و عایدات (یا وصولی ها) به منظور بازپرداخت بدهی های قدیمی، هنگامی که موعد بازپرداخت آنها فرا می رسد، بکار برده می شود. بدهی های قدیمی با بدهی های جدید جا به جا می شوند! هر زمان که کمبود در خرید اوراق قرضه ایالات متحده وجود دارد، ایالات متحده با طلبکاران به منظور «چرخش دوباره» [۲] بدهی های عقب افتاده و تقاضای تمدید زمان برای باز پرداخت بدهی های موجود و سودهای افزوده شده به آن وارد مذاکره می شود.
با توجه به موارد فوق، چگونه هر فرد دارای عقل سلیم، منطقی و معقول می تواند چنین نسبت اوراق قرضه/ بدهی ها، را هم چنانکه توصیف شده در بالا، به عنوان « بهترین امنیت » برای ایجاد بدهی های بیشتر، طبقه بندی کند؟
در اصطلاحات تکنیکی مخصوص بانک بین المللی پرداخت (بی آی اس)[۳]، این کاغذ های توالتی (یعنی اوراق بی ارزش من به شما ها بدهکارم) «سرمایه درجه یک» (یعنی بهترین) در تعیین نسبت سرمایه یک بانک و در نتیجه اعتبار این بانک در نظر گرفته شده است. هر چقدر یک بانک دارای سرمایه درجه یک [۴] باشد، به همان اندازه اعتبار آن بانک بیشتر است!
ما با یک برچسب زدن می توانیم به

حضورفعال درایجاد و تشکل انترناسیونالیستی معرف رفتار کمونیستی است

سادگی اوراق قرضه ایالات متحده را به عنوان«بهترین امنیت»، «بیشترین دارائی با قابلیت نقد شدنی» و «امن ترین پناهگاه برای پول» استنتاج کنیم، چیزی که نخبگان مالی جهانی قادر به آهسته القاء کردن اعتماد به نفس به پول کاغذ توالتی ایالات متحده شدند. از طریق این تبلیغات، بانک فدرال ریزرو و متحدان مالی جهانی آن قادر به ایجاد یک «تقاضا برای دلار» بودند. هنگامی که این اعتماد و اطمینان مصنوعی در آمیخته با تحمیل که تجارت، مخصوصاً تجارت در نفت خام، می بایست به دلار آمریکا معین می شد، همه ما، ملت ها و مردم، اسیرانی از بردگی دلار آمریکا شده بودیم! اگر اوراق قرضه ایالات متحده این قدر مقدس بود، چگونه فواحش مالی جهانی می توانند سونامی مالی جهانی را در طول سال ۲۰۰۸ که منجر به فروپاشی تمام بانک های بیش از حد بزرگ برای شکست را توضیح دهند ؟ و می دانیم که تریلیون ها دلار بدون پشتوانه می بایست توسط فدرال ریزرو دیجیتالی «چاپ» می شد تا این بانک های عظیم نجات می یافتند. به همین ترتیب، با توجه به دلایل بالا، چگونه می تواند هر فرد دارای عقل سلیم، منطقی و عاقل، درست در طول زمان بحران مالی، اوراق قرضه آمریکا (من به شما بدهکارم[۵]) را «پناهگاه امن» خود در نظر بگیرد؟ هنگامی که یک فرد قادر به باز پرداخت بدهی هایش نمی شود، او یک ورشکسته تلقی می شود و در پرونده ای که طلبکاران برایش درست کردند، به عنوان یک ورشکسته توسط دادگاه اعلام می شود. به همین ترتیب، زمانی که شرکتی قادر به بازپرداخت بدهی خود نیست، این شرکت ورشکسته تلقی می شود و در این حالت، بستانکار می تواند از دادگاه تقاضای انحلال این شرکت را بکند (یا به زبان عامیانه، به گور شرکتهای بزرگ ملحق شود.

ایالات متحده یک دولت ورشکسته است و به عنوان «بنانا ریپابلیک» در نظر گرفته می شود و با او به عنوان «دولت مطرود» رفتار خواهد شد اگر، این دولت دارای تسلیحات هسته ای نباشد که با تهدید و باج گیری کشورها را وادار به ادامه حمایت از سیستم ورشکسته خود سازد. این یک دولت شکست خورده است!

در حال حاضر ما شاهد یک پدیده جدید هستیم-«قصور در بازپرداخت بدهی توسط کشور مستقل». اکثر کشورهای توسعه یافته در این حالت افتضاح مالی قرار دارند، یونان، مثال واضح آن است، اما دیگر کشورها به سختی سرشان را بالای آب نگه داشتند، و هنگامی که این کشورها که دائماً در تقلا ی نگه داشتن خود بالای سطح آب (برای «نفس کشیدن مالی ») هستند، خسته شوند، به سرعت غرق خواهند شد.

<u>هیچ اشتباهی نکنید، این سناریوی کنونی است و هیچ کس نمی تواند کاری در موردش انجام دهد. جعبه ابزار بانک های مرکزی، خالی از ابزار مالی است - چاپ اسکناس بدون پشتوانه [۶] و سیاست نرخ بهره صفر آخرین ابزار هایی بود که بکار رفت و ابزارهای بسیار کندی بودند.</u>

ذخیره ارزی جهان (دلار ایالات متحده) چیزی بیش از یک ابزار تبلغاتی مالی به منظور تهدید کشورهای خارج از «اردوگاه شوروی» در دوران جنگ سرد نبود که آنها را وادار به پذیرش و تسلیم به هژمونی ایالات متحده، می نمود. حتی اتحاد جماهیر شوروی مجبور به استفاده از دلار ایالات متحده، زمانی که تجارت در خارج از کشورهای پیمان ورشو صورت می گرفت بود. چنین بود ضربت خفه کننده دلار ایالات متحده در تجارت جهان، اما این مراودات تجاری براساس «تبلیغات محض» بود و این برای مدتی کارائی داشت چرا که ملت ها و مردم با ترس بسیار در طول دوران جنگ سرد کور شده بودند و منطقی فکر نمی کردند.

امروز دیگر این موضوع این گونه نیست. دیگر نیازی به یک ارز واحد ذخیره جهانی وجود ندارد.

به هر حال، سقوط دلار ایالات متحده فوری نخواهد بود هم چنانکه سران سرمایه های مالی تا آخرین نفس تلخشان خواهند جنگید تا هژمونی دلار ایالات متحده را مطمئن سازند. برای ایجاد غوغا و آشفتگی ارزی مالی، بازار ها دستکاری می شوند، و به موجب آن به ترس در میان مردم دامن می زنند و اینکه «پرواز به سمت امنیت» دلار ایالات متحده و دارائی های ایالات متحده که بر اساس تبلیغات دروغ می باشد، دلار آمریکا/ دارائی های آمریکا بهترین«امنیت پولی» هستند.

در واقع، هیچ نیازی به یک ارز واحد جهانی وجود ندارد. کشورها باید با ارز مربوطه خودشان تجارت کنند، آزاد از مقیدات مالی اعمال شده توسط ارز واحد ذخیره جهانی. مرگ ذخیره ارز واحد جهانی می تواند از غیر قابل پیش بینی بودن و امتیاز مفرط و فاحش، ناشی از دستکاری در بازارهای نرخ ارز و نرخ بهره توسط فدرال ریزرو و متحدین مالی آن به ایالات متحده داده شده، جلو گیری کند.

۸۰۰ تریلیون دلار از مشتقات کازینوپی ایالات متحده فرو خواهد پاشید و البته تمام بانکهای به اصطلاح بیش از حد بزرگ برای شکست، ور شکسته خواهند شد و بعد سیستم مالی کل جهانی تا مغزش به لرزه در خواهد آمد. اما، دوره رنج و درد شدید کوتاه خواهد بود. هنگامی که هر کشور متوجه می شود که هیچ نیازی به یک ارز واحد ذخیره جهانی نیست، با اعتماد و اطمینان و با یک روحیه انتقام جوئی تجارت جهانی شکوفا خواهد شد، هم چنانکه هزینه تجارت جهانی نیز به شدت کاهش می یابد. در این جا شما فقط ریاضیات را انجام دهید!

اگر رلی برای حق برداشت ویژه ای[۷] برای صندوق بین المللی پول است، با استفاده محدود خواهد بود، یعنی محدود به موقعیت ویژه کوتاه مدت، جائیکه یک یا دو کشور از مشکلات نقدینگی موقت رنج خواهند برد. حتی اگر چنین رویدادی رخ دهد، این انتظار می رود که بانک های منطقه ای برای این منظور توسط کشورهای عضو یک منطقه برپا می شوند تا قبل از اینکه نیازی برای مداخله صندوق بین المللی پول باشد، با مداخله خود وارد عمل شوند.

بحران آینده، اگر هرچه باشد، منطقه ای خواهد بود هم چنانکه، مکانیزم بانکی منطقه ای مجهز به یک دیوار ایمنی خواهد بود که از هرگونه سرایت واگیری خارج از سرحدش جلوگیری خواهد کرد. این هم اکنون با استقرار بانک توسعه بریکس در حال وقوع می باشد و بانک پیدایش سرمایه گذاری آسیا، توسط کشور چین با پشتیبانی تعداد ۳۰ کشور به عنوان مؤسس ایجاد شده است.

به دنیای شجاع و جدید خوش آمدید - جهانی آزاد از قید از طرف ذخیره ارز واحد جهانی! جهانی عاری از سلطه مالی ایالات متحده!

(1) - PONZI Scheme:

طرح پونزی

یک شکل از تقلب که درآن اعتقاد به موجودیت شرکتی است که وجود ندارد و توسط پرداخت بازده سریع به اولین سرمایه گذاران از پولی که سرمایه گذاران بعدی سرمایه گذارده اند، یعنی کلاه سر سرمایه گذاران بعدی می رود، چون از ابتدا هیچ چنین شرکتی وجود نداشته است.

(2) " Roll Over "

(3) Bank of International Settlements (BIS)

(4) Tier 1 Capital

(5) US I.O.U., or, I Owe You

(6) Quantitative Easing (QEs)

(7) Special Drawing Rights

تعریف حق برداشت مخصوص :

عبارت است از دخیره دارائی های

بین المللی که از سوی صندوق بین المللی پول (IMF) تأمین شده و به هر یک از کشورهای عضو اختصاص یافته است. در چار چوب ضوابط وضع شده از سوی صندوق بین المللی پول، اگر کشوری با کسری تراز پرداخت ها روبه رو باشد، می تواند از حق برداشت مخصوص برای تسویه دیون خود با کشور دیگر عضو یا صندوق بین المللی پول (IMF) استفاده کند.
جایگاه ایران در صندوق : ایران یکی از کشورهای برتون وودز بود که با سهمیه معادل بیست و پنج میلیون دلار آمریکا در صندوق عضویت یافت . هم اکنون سهمیه ایران بالغ ۱۴۹۷۲۰۴ میلیون حق برداشت مخصوص می باشد، از این میزان ۲۵ درصد طلا و ارز تبدیل به صندوق پرداخت شده است و ۷۵ درصد به بستانکار حساب ریالی صندوق نزد بانک مرکزی ایران منظور شده است.
هر کشوری عضو صندوق یا عضویتش ۲۵۰ رأی ثابت دارد و به ازای هر یکصد هزار حق برداشت مخصوص سهمیه یک رأی به رأی هایش اضافه می شود .
جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۷۲ ریاست کشورهای الجزایر ، افغانستان، پاکستان، مراکش، تونس، غنا را بر عهده داشته و یک عضو در هیت مدیره دارد . رئیس بانک مرکزی نماینده ایران در صندوق می باشد .مأخذ: ایرن فاینانس

****

وزیر اقتصاد آلمان سراسیمه برای بهره برداری از فرصتهای کسب و کار به ایران میرود

توسط: یوهانس استرن، ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۵ از وب سایت سوسیالیستی جهانی
World Socialist Web Site
Germany-Iran-Economy

در سال های اخیر به ندرت سفرهای خارجی از یک سیاستمدار برجسته آلمانی باعث یک چنین تحریکی مانند بازدیدی توسط معاونت صدراعظم و وزیر امور اقتصاد آلمان، سیگمار گابریل (حزب سوسیال دمکرات) در اوایل این ماه به ایران صورت گرفته است. با جوهر به سختی خشک شده توافقات اخیر در مورد برنامه مذاکرات هسته ای باایران، سیگمار گابریل هم اکنون برای تهران و ملاقات با گروه مقامات سطح بالای هیئت نمایندگی کسب و کار خیز برداشت.
تهاجم و تاخت و تاز برلین به یکی از مهم ترین کشورهای استراتژیک و غنی از منابع در خاور میانه - ایران از نظر بزرگی منابع نفتی مقام چهام و مقام دوم ذخائر گاز در جهان - بخشی از بازگشت امپریالیسم آلمان در صحنه جهانی می باشد. به طور قابل ملاحظه ای، این سفر در همان هفته ای صورت گرفت هم چنانکه دولت فدرال برنامه ریاضت اقتصادی بی رحمی را در یونان اعمال کرد و وزیر امور خارجه آلمان، فرانک والتر اشتاین با یک هیئت نمایندگی از کوبا بازدید کرد.
سفر سیگمار گابریل به ایران چنان ناگهانی بود و اهداف مقارنش چنان واضح بود که حتی تعدادی از رسانه ها که در غیر این صورت به طور منظم برای مشارکت تهاجمی تر آلمان در امور جهانی جار می زدند، مجبور شدند منتقدانه در مورد این سفر اظهار نظر کنند.
روزنامه دویچه زایتونگ* این سفر را «شرم آور» نامید و هشدار داد: «اکنون این تصور به وجود آمده که آلمان به طور عمده نگران در مورد منافع و کسب و کار خود می باشد. ورود به صحنه در آخر احمقانه است، اما گاهی اوقات پرواز خیلی زود بسیار احمقانه تر می باشد.»
روزنامه فرانکفورتر الگماین زایتونگ* نیز به سفر سیگمار گابریل به عنوان «عکس العمل سریع اگر نه بیش از حد شتاب زده» ذکر کرد. مقاله نویس روزنامه نوشت که این ممکن است تا شاید «یک بار دیگر به صنایع آلمان کمک کند تا جای پای امنی در این مارکت بعد از سالهای طولانی از تحریم ها بازکند.» معهذا، طبق گفته فرانکفورتر الگماین زایتونگ، این «یک علامت مبهم» در رابطه با سیاست آلمان بود.
انتقاد از هیئت نمایندگی گابریل حتی از درون صفوف خود دولت به بیرون درز پیدا کرد. دریک کایزوتر گفت: « من نگران هیئتی هستم که معتقد است ایران دوست ماست »، از (اتحاد دمکرات مسیحی)، و نماینده ائتلافی در کمیته امور خارجی بوندستاگ (پارلمان فدرال) از اتحاد اجتماعی مسیحی. او اضافه کرد که «ایران تنها می تواند دوست ما و عامل ثبات در منطقه باشد،» زمانی که ایران «در واقع حق زیست اسرائیل را به رسمیت می شناسد.» عضو سابق پارلمان اس پی دی*** و پرزیدنت جامعه اسرائیل و آلمان رینهولد روب اظهار داشت که گابریل این عقیده را دارد «که آلمان به منافع اقتصادیش بیش از هر چیز دیگر اهمیت قائل است».
هیاهوی مغرورآمیز گابریل قطعاً به تأیید این «تصور» کمک کرد. به زودی پس از فرود هواپیمای دولتی اش در فرودگاه بین المللی مهرآباد تهران، او به خبرنگاران آلمانی گفت: «به طور سنتی، ما روابط خوبی با ایران داریم، و بسیاری از شرکتها خواهان بهتر کردن روابط و تماسهای موجود هستند. و شانس برای این زمانی ظاهر می شود که توافقات در اوایل سال آینده به مورد اجرا درآیند. این اولین گام مهم خواهد بود، اما قطعاً گام های بسیاری وجود خواهند داشت که باید برداشته شوند.»
نماینده گان کسب و کار و همراهان او حتی کمترقادر به مهار شور وشوقشان به خاطر فرصتهای تازه برای صادرات و آلمان امپریالیستی که گرسنه کالا است بودند. اریک شوایتزر، پرزیدنت انجمن اتاق صنایع و بازرگانی آلمان گفت، «صنعت آلمان در ایران بسیار مورد توجه قرار دارد»، و ادامه خواهد داشت: «در دوران سلطنت شاه، ایران از نظر اهمیت دومین بازار صادرات آلمان به خارج از اروپا بود. بسیاری خواهان پی گیری آن هستند.»
رئیس انجمن اتاق صنایع و بازرگانی آلمان، بخش تجارت خارجی، ولکر تریپر اعلام کرد: «برخلاف فرض بعضی ها، اقتصاد ایران بیشتر به سمت صنعت مجهز شده است. با ۸۰ میلیون ساکنان آن و پایگاه صنعتی قوی، این کشور قادر شده که یک بازار صادرات (بخوانید مواد خام - مترجم) برای کمپانی های آلمان باشد.»
مطبوعات تجاری و کسب و کار در آلمان نیز مشتاق این پیشرفت و توسعه می باشند. مدیر مجله ماهانه با شور و شوق اظهار کرد که، علاوه بر «وجود نیروی کار مجرب» در این کشور، «مواد خام عظیمی» نهفته است. این کشور به عنوان «یک غول خفته» دیده می شود که «خواستهای قید شده اقتصادی قابل توجهی به خاطر نتیجه تحریمهای سالهای اخیر دارد».
امپریالیسم آلمان و پایتخت آن توافقات هسته ای ایران را بخشی از تلاشها و میانجیگری وزیر امور خارجه آلمان، فرانک والتر اشتاین مایر، که به عنوان یک فرصت برای ساخت روابط سنتی نزدیک خود با ایران و افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در سراسر منطقه است می بینند.
دی ولت می نویسد که: «موقعیتها و فرصتهای بدست آمده برای کمپانی های آلمانی در ایران بسیار ممتازند.» روابط بین کسب و کارها از هر دو کشور تشخیص داده شده که «در طول چند دهه رشد کرده است»، و«برخی از شرکتهای آلمانی در قلب پادشاهی سابق ایران بیش از ۱۰۰ سال در گیر بوده اند.»

به گفته منابع رسمی، حدود ۸۰ شرکت آلمانی در حال حاضر به طور مستقیم از طریق شعباتشان در ایران عمل می کنندُ و حدود ۱۰۰۰ سرمایه گذاری اقتصادی دیگر دارای نمایندگانی در ایران هستند. در میان بزرگترین شرکتهای پر اهمیت آلمانی در ایران، هنکل، زیمنس، و بایر متعاقب کاهش شدید در روابط اقتصادی در سالهای اخیر، ارزش صادرات آلمان هم اکنون به یک سوم یعنی، ۲.۴ میلیارد یورو (۲.۶ میلیارد دلار) در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است.

در حال حاضر، انجمن اتاق صنایع و بازرگانی آلمان (دی آی اچ کِی) انتظار دارد صادرات آلمان در ظرف دو سال آینده به ۵ میلیارد یورو (۵.۵ میلیارد دلار) برسد. فدراسیون صنایع آلمان، حتی فرض براین دارد که شرکتهای آلمانی می توانند در آینده به ارزشی نزدیک تا ۱۰ میلیارد یورو به ایران کالا صادر کنند.

متعاقب برگزاری نشست مشترک با وزیر نفت ایران بیژن نامدار زنگنه در روز دوشنبه، ۲۷ ژوئیه، سیگمار گابریل اعلام کرد که کشور آلمان و ایران بهره برداری از یک کمیسیون مشترک اقتصادی در اوایل سال ۲۰۱۶ را از نو ادامه خواهند داد. حسن روحانی، رئیس جمهور ایران ابراز امیدواری کرد که برلین «یک نقش مثبت» در توسعه روابط بین دو کشور و هم چنین بین اروپا و کل خاور میانه بازی کند، «درست همانطوریکه در مذاکرات برنامه هسته ای نقش ایفا کرد.»

آنچه که روحانی و رژیم ایران به عنوان «مثبت» توصیف می کنند، در واقع به معنی تسلیم کامل کشور ایران به غارتگری کشورهای امپریالیستی، ۳۵ سال پس از انقلاب ایران می باشد.

اظهار نظر یا تفسیر تحت عنوان «مسابقه بزرگ»، روزنامه سوددویچه زایتونگ پیشنهاد کرد که آلمان «تنها کشوری نیست که خواهان بازگشت محتاط به دوران حالت عادی نباشد.» این روزنامه اشاره کرد که اگر چه گابریل «اولین مقام عا لی رتبه سیاستمدار غربی در ایران» پس از معامله هسته ای بود، ولی تعدادی از وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا هم اکنون از تهران بازدید کرده اند. فرانسه هم اکنون یک هیئت نمایندگی ۱۳۰ نفره نیرومند کسب و کار در ماه فوریه ۲۰۱۴ به ایران فرستاده است، که در آن شرکت غولپیکر نفتی توتا ل، آلستوم (سازنده ماشین آلات)، گروه ارتباطات از راه دور اورنج، و خود رو سازی فرانسه حضور داشتند.

کشور چین نیز به عنوان رقیب آشکار مورد توجه قرار گرفته است. انتون بورنر، رئیس انجمن تجارت خارجی بی جی ای، پیش بینی می کند که این احتمالاً برای جامعه کسب و کار آلمانی «پر اشکال» خواهد بود که «یک بار دیگر تبدیل به بزرگترین شریک تجاری ایران بشود.» طبق اظهار بورنر، شرکتهای چینی که در سالهای گذشته با تحریم بهره برداری کردند، برای برقراری یا دایر کردن خود در ایران، «نبرد خواهند کرد تا موقعیت خود را حفظ کنند، وقتیکه تحریم ها به پایان می رسند».

اظهار نظر در مورد افزایش رقابت از کشورهای آسیایی، ولکر تریبر گفت: «شرکتهای چینی و کره ای درایران در حال حاضر جایگاه ما را در روز آفتابی گرفته اند.» او گفت که در حال حاضر کشور چین «یک حجم تجاری ۵۰ میلیارد دلاری در کسب و کار با ایران دارد.» ما قادر نخواهیم بود نزدیک به چنین مقیاس از سرمایه گذاری در ایران برسیم.

واقعیتی که نمایندگان برجسته و پیشتاز کسب و کار آلمانی بازهم مدعی حق شان برای کسب «جایگاهی زیر نور خورشید»هستند، دارای مفاهیم تاریخی گسترده ای می باشد. وقتی که نیروهای امپریالیستی به اصطلاح «دیر ظهور ملت آلمان»، اول آرزو داشتند به «یک مکان زیر نور خورشد» (واژه ها بعداً در خطابه صدر اعظم برنهارد وان بولاو به پارلمان آلمان در دسامبر ۱۸۹۷ استفاده می شد) دست یابند، عبارت عمدتاً اشاره می شد به تصرف مستعمرات در آفریقا و خاور میانه، و توسعه یک سیاست جهانی یک طرفه که دو بار به فاجعه در قرن بیستم منتهی شد.

مانند گذشته، خود نمایی مجدد امپریالیسم آلمان در صحنه جهانی تنش ها را با ایالات متحده تشدید خواهد کرد. اگر چه آشکارا در ملاء عام مورد بحث قرار نگرفته، عجله کاسب های آلمانی برای ادعاهای سهمیه در ایران، توسط یک تلاش برای ممانعت از رقابت بالقوه آمریکا کنترل می شود، که قبل از رأی کنگره آمریکا در مورد برنامه هسته ای کنار گذاشته می شود. یک ایران تحت سلطه امپریالیسم آلمان، یا امپریالیسم اروپا به رهبری آلمان، هم چنین چالش مستقیم ژئو استراتژیکی نسبت به امپریالیسم آمریکا خواهد بود، که معامله هسته ای را در درجه اول به منظور دفاع از منافع استراتژیک خود در منطقه به پایان رسانیده است.

*The Süddeutsche Zeitung newspaper

**The Frankfurter Allgemeine Zeitung

***Sozialdemokratische Partei Deutschlands

پرسش ها وپاسخ ... بقیه از صفحه آخر

امپریالیسم تا زمانی که جهان در تسلط و سیطره روابط تولیدی سرمایه داری است، به قوت خود باقی مانده و ادامه خواهد یافت.

- شکل و شمایل امپریالیسم تا پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ میلادی که در بین بخش قابل توجهی از چالشگران ضد امپریالیست در آن زمان به نام دوره "صلح مسلح" معروف بود، تعداد کشورهای امپریالیستی در جهان به ۲۴ عدد می رسید که به غیر از ژاپن در شرق آسیا بقیه در قاره های اروپا و آمریکای شمالی و اقیانوسیه (استرالیا)، قرار داشتند. در طول این دوره که تا پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ ادامه یافت ، تلاقی ها و جنگ های متعدد بین امپریالیست ها در آسیا ، آفریقا ، آمریکای لاتین و در خود اروپا در دگردیسی ها و تغییرات در جهان قرن بیستم نقش قابل توجهی ایفاء کردند: تلاقی ها و رقابت هائی که از طریق آنها تضادهای بنیادی درون نظام سرمایه به طور عینی بیان می گشتند.

- بعد از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ و سپس در دوره بین دو جنگ جهانی (از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹) تعداد کشورهای امپریالیستی رو به کاهش گذاشت درباره علل این کاهش مورخین علت های متفاوت و بحث انگیزی را مطرح ساخته اند که در اینجا به طور اجمالی به تعدادی از آن علل، اشاره می شود:

۱- پیدایش روسیه شوروی بعد از انقلاب بلشویکی در ۱۹۱۷ و تکامل آن به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۱۹۲۴ بعد از ناکامی ۱۴ کشور امپریالیستی در نابودی شوروی جوان.

۲- گسترش مبارزات برای استقلال در آسیا، آفریقا و... در دوره اول عروج امواج خروشان بیداری و رهائی در کشورهای دربند پیرامونی و نیمه پیرامونی و نتیجتا تضعیف قدرقدرتی سیاسی و حتی نظامی تعدادی از امپریالیست های آن دوره مثل بلژیک، اسپانیا، پرتغال و حتی فرانسه و ایتالیا.

۳- رقابت ها و تلاقی های خونین بین انگلستان و آلمان بر سر کسب موقعیت هژمونیکی و نیتجتا صف آرائی

نیروهای امپریالیستی در دور دو محور امپریالیسم انگلستان (متفقین) و امپریالیسم آلمان (متحدین) در دهه ۱۹۳۰ میلادی که بالاخره منجر به اشتعال جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ گشت.

- پایان جنگ جهانی دوم نه تنها به رقابت های خونین بین انگلستان و آلمان بر سر اتخاذ مقام هژمونیکی در جهان خاتمه داد بلکه منجر به عروج آمریکا به قله هژمونیکی در جهان سرمایه داری گشت. به موازات این جابه جائی ها جهانیان در دوره های متعدد بعد از پایان جنگ جهانی دوم شاهد دگردیسی بزرگی در شکل و شمایل امپریالیسم گشتند. این دگردیسی در امپریالیسم در ۷۰ سال گذشته از ۱۹۴۵ تا کنون ۲۰۱۵، از فازهای متعددی گذر کرده که اشاره به آنها حائز اهمیت می باشند.

- آمریکا از واقعه جنگ جهانی دوم که باعث تلاشی و انهدام نیروهای متحدین (آلمان هیتلری، ایتالیای موسولینی، ژاپن هیروهیتو و...) از یک سو و تضعیف متفقین (انگلستان، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و...) از سوی دیگر گشت ، نفع عظیمی برده و موفق به کسب موقعیت هژمونیکی در جهان گشت. شایان تاکید است که این موقعیت هژمونیکی که در اوایل دهه ۱۹۵۰ آغاز گشته و بعدها به ویژه در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ برملا و رسانه ای تر گشت ، برخلاف حالا یک موقعیت فراگیرتر و همه جانبه تر در گستره های سیاسی، تجاری، دیپلماسی، فرهنگی و... در سراسر جهان بوده و فقط محدود به قدرقدرتی در انحصار تسلیحات کشتار دسته جمعی نمی شد. در این دوره نزدیک به ۲۰ سال از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ طول کشید متجاوز از ۶۰ درصد محصولات صنعتی جهان به ویژه انواع متنوع فنآوری ها و تکنولوژی ها در آمریکا تولید می شد. این تولیدات در صنایع و فن آوریها نقش بزرگی در رشد و توسعه جهان در نیمه دوم قرن بیستم ایفاء کردند. در این دوره آمریکا در گستره نظامی به ویژه در امر قدرقدرتی در تصاحب تسلیحات هسته ای–اتمی نیز موقعیت هژمونیکی اتخاذ کرد. این دو امتیاز (سیطره در اقتصاد و قدرقدرتی در کنترل نیروهای تسلیحاتی هسته ای–اتمی) طولی نکشید که توسط دو نیرو در حال بهبودی سریع ، به تدریج به چالش طلبیده شدند: در گستره اقتصادی توسط فراز ژاپن و کشورهای مسلط اروپا (آلمان، فرانسه و...) از یک سو و در زمینه نظامی و تسلیحات هسته ای–اتمی توسط اتحاد جماهیر شوروی در حال عروج به مقام یک ابرقدرت در سطح بین المللی. شایان توجه است که در این دوره سیاست های هژمونیکی و گسترش پروژه های سیطره جویانه آمریکا در کشورهای در بند پیرامونی آسیا، آفریقا و کوبا نیز به زیر سئوال کشیده شدند. علت اصلی این چالش به خاطر فراز امواج خروشان جنبش های رهائی بخش و دولت – ملت های تازه به استقلال رسیده منبعث از آن جنبش ها بودند که بعد از رهائی از یوغ استعمار کهن و برگزاری کنفرانس باندونگ (در ۱۹۵۵) و تشکیل جنبش کشورهای غیر متعهد در سال ۱۹۶۲، به مودت و همبستگی باهم نایل آمده و به ستون مقاومت در مقابل نظام جهانی تبدیل شده بودند. بررسی فعل وانفعالات این چالش های متنوع که تقریبا تا نیمه اول دهه ۱۹۷۰ در اکناف جهان به وقوع پیوستند جملگی آمریکا را مجبور به عقب نشینی در سیاست جهانی و حتی دادن امتیازات ساختند. شایان یادآوری است که این عقب نشینی های نسبی و موقتی از سوی آمریکا باعث گشت که در آن دوره بخش قابل توجهی از چالشگران رادیکال ضد نظام آغاز افول قدرقدرتی راس نظام و احتمال شکلگیری و رشد قطب های دیگر منجمله قطب در برگیرنده چین، آلمان، فرانسه و هندوستان، مورد پیشگوئی و حدس قرار دهند.

- با اینکه تحقق این پیشگوئی امروز بیش از هر دوره ای در گذشته محتمل تر به نظر می رسد ولی در آن زمان از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ وقایع رو به رشد در جهان نه تنها آمریکای هژمونی طلب را از موقعیت های دادن امتیازات و عقب نشینی های حتی نسبی رها ساخت بلکه شرایط را آماده کرد که آمریکا به تهاجمات خود این دفعه فراگیرتر و هارتر در اکناف جهان به ویژه در کشورهای دربند پیرامونی جنوب و کشورهای نیمه پیرامونی اروپای شرقی دامن بزند. یکی از این وقایع که پی آمدهای آن در آن زمان منجر به افزایش قدرقدرتی آمریکا و لاجرم رشد امپریالیسم سه سره جهانی (آمریکا، ژاپن، اتحادیه اروپا) در دوره بعد ازپایان جنگ سرد از ۱۹۹۱ تا کنون ۲۰۱۵ ، گشت عبارتند از:

- تضعیف و اخته گشتن چالش گلیسم در اروپای غربی: شارل دوگل بنیانگزار "جمهوری پنجم" و رئیس جمهور فرانسه از (۱۹۵۹تا ۱۹۶۸) معتقد بود که هدف آمریکا بعد از پایان جنگ جهانی دوم کنترل بلامنازع کلیت دنیای قدیم (یورو – آسیا) است . برای رسیدن به هدف خود آمریکا طبق تحلیل گلیست ها (منجمله آندره مالرو) و ژان پل سارتر تصمیم گرفته که با تبلیغ استراتژی جنگ سرد و با ترویج لولو خرخره "ترس از کمونیسم"، اروپا را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کند . در عمل سیاست تقسیم اروپا توسط آمریکا منجر به بروز و رشد "آتلانتیسم" و استقرار سازمان آتلانتیک شمالی ناتو در سال ۱۹۴۹ گردید . برخلاف دولتمردان آمریکائی، دوگل و گلیست ها بر آن بودند که قاره اروپا دربرگیرنده تمامی کشورهای واقع در بین سلسله کوه های آتلانتیک و سلسله کوه های اورال(منجلمه اتحاد شوروی) است. مضافا آنها بر آن بودند که سه کشور پر جمعیت اروپا (شوروی، آلمان و فرانسه) می توانند هسته اصلی "اتحادیه اروپا" (اروپای متحد ولی مستقل از کنترل آمریکا) را بعد از مصالحه و ایجاد همکاری های نزدیک، تشکیل دهند . گلیست ها به طور جدی اعتقاد داشتند که ایجاد اتحادیه اروپا (در برگیرنده کشورهای آتلانتیک و کشورهای اورال) به طور قطعی به عمر پروژه آمریکا مبنی بر تسلط بر کلیه جهان، خاتمه خواهد داد. شایان توجه است که گلیست ها در آن دوره به ویژه در دهه ۱۹۶۰ و نیمه اول دهه ۱۹۷۰) در اروپا این نظرگاه را تبلیغ می کردند که اروپائیان دو بدیل در پیش روی خود دارند : استقرار اروپای آتلانتیک که در آن اروپا مثل کانادا، وابسته به آمریکا خواهد بود و یا استقرار اروپای اورال–آتلانتیک منجمله روسیه که در آن اروپای متحد، مستقل از آمریکا خواهد بود. به نظر این نگارنده این گفتمان و تلاقی ها و تضادهای منبعث از آن هنوز هم بعد از گذشت متجاوز از چهل سال از آن دوره (همانطورکه جنگ اوکراین به روشنی نشان می دهد) به قوت خود باقی است.

- اما همانطور که قبلا اشاره گشت وقایع اتفاقیه در سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ به موازات اخته گشتن گلیسم منجر به افزایش قدرقدرتی هژمونی طلبانه آمریکا و آغاز مجدد تهاجمات توسط آمریکا در اکناف جهان در دوره بعد از پایان جنگ سرد گردید. اهم این وقایع عبارت بودند از:

۱- آغاز عضویت انگلستان در اتحادیه اروپا: عضویتی که سال ها گلیست ها شدیدا با آن مخالفت کرده و به حق معتقد بودند که انگلستان نقش اسب تراوای آتلانتیسم (آمریکا) در داخل اتحادیه اروپا را ایفاء خواهد کرد.

۲- افول و فروپاشی چالش هائی که در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ مثل "ستون های مقاومت" در مقابل قدرقدرتی و سیاست های هژمونی طلبانه آمریکا ایستادگی کرده و آن را وادار به عقب نشینی و حتی دادن امتیاز به

ملت – دولت ها و خلق های کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی ساخته بودند. این چالش ها عبارت بودند از: اتحاد جماهیر شوروی، جنبش های رهائی بخش ملی در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و بالاخره جنبش های کارگری در اروپای غربی حتی بعد از عقیم سازی گلیست ها در فرانسه.

۳- عبور پروسه گلوبالیزاسیون (جهانی گرائی) سرمایه از دوره کنزیسم "تقاضا محور" به فاز کنونی بازار آزاد نئولیبرالی "عرضه محور" اقتصاد ریگانا میکس در دهه ۸۰ و

۴- تبدیل چین توده ای از یک کشور رهائی یافته رو به سوسیالیسم به یک کشور سرمایه داری دولتی در بحبوحه گسترش بازار آزاد نئولیبرالی در نیمه دوم دهه ۸۰ قرن بیستم .

نتیجه اینکه

مجموعه این وقایع و عوامل به ویژه فروپاشی و تجزیه شوروی به ۱۶ کشور مجزا از هم در آغاز دهه ۱۹۹۰ و گشودن درهای کشورهای اروپای شرقی به سوی تهاجم جهانی گرائی بازار آزاد نئولیبرالی، شرایط را برای گسترش پیکان سه سره امپریالیسم (آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن) در اکناف جهان آماده ساخت: امپریالیستی که پروژه جهانی آن مقوله اصلی پرسش و پاسخ بخش چهارم این نوشتار خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱- استفن کان، "فروپاشی شوروی به حرکت روسیه در جهت دموکراسی پایان داد"، روزنامه گاردین

۲- میخائیل گورباچف، "آیا واقعا جهان ما بدون شوروی امن تر است ؟ "، مجله نیشن، ۲۹ ژانویه ۲۰۱۲ .

۳- درباره شارل دوگل و گلیسم و روابط آمریکا با فرانسه در دوره ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۳، رجوع کنید به: -ژان ماری کولومباری و والترولز، "روابط خطرناک بین آمریکا و فرانسه در عصر دوگل و گلیسم"، نیویورک ۲۰۰۴ و- " مردم فرانسه و ارثیه شارل دوگل"، لوموند دیپلماتیک، ۱۵ آوریل ۲۰۰۲.

۴- یونس پارسا بناب، "امپریالیسم آمریکا در آینه تاریخ"، "بحران امپریالیسم آمریکا" و "نئولیبرالیسم جهان ما را به کجا خواهد برد؟" در کتاب "جهان در عصر تشدید جهانی شدن سرمایه ۲۰۰۹– ۱۹۹۱ "چاپ آمازون دات کام ، ۲۰۱۰

برای تهیه کتاب
مبارزه در مورد
شیوه تفکر در
جنبش طبقه کارگر
از طریق ادرس های
ارتباطی حزب رنجبران
با ما تماس بگیرید

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!
سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www. ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library

میرزا محمد فرخی یزدی (تاج الشعرا) (متولد۱۲۶۸ در شهریزد) شاعر،روزنامه‌نگار، آزادی‌خواه و مبارز صدر مشروطیت همچنین سردبیر نشریات حزب کمونیست ایران و روزنامه طوفان بود. اورا در ۱۵ سالگی به دلیل اشعاری که علیه مدرسان و مدیران مدرسه یزدسرود، از مدرسه اخراج کردند.

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت
آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
در دفتر زمانه فتد نامش از قلم
هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت
در پیشگاه اهل خرد نیست محترم
هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
باآنکه جیب و جام من از مال و می تهی ست
ما را فراغتی ست که جمشید جم نداشت
انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی
چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

او در دوره هفتم مجلس شورای ملی نماینده مردم یزد شد. فرخی یزدی را در تاریخ ۲۵ مهر۱۳۱۸ به علت فعالیت و مقاومتش در زندان قصر با تزریق آمپول هوا کشتند.

به زندان قفس، مرغ دلم چون شاد می گردد
مگر روزی که از این بند غم آزاد می گردد
ز آزادی جهان آباد و چرخ کشو دارا
پس از مشروطه با افزار استبداد می گردد
تپیدن های دل ها ناله شد، آهسته آهسته
رساتر گر شود، این ناله ها فریاد می گردد
شدم چون چرخ سرگردان، که چرخ کجروش تا کی
به کام این جفا جو با همه بیداد می گردد ؟
ز اشک و آه مردم بوی خون آید، که آهن را
دهی گر آب و آتش، دشنه ی فولاد می گردد
دلم از این خرابی ها بود خوش، زانکه می دانم
خرابی چون که از حد بگذرد آباد می گردد
ز بیداد فزون، آهنگری گمنام و زحمتکش
علمدار و علم چون کاوه ی حداد می گردد
علَم شد در جهان فرهاد در جان بازی شیرین
نه هرکس کوهکن شد در جهان فرهاد می گردد
دلم از این عروسی سخت می لرزد که قاسم هم
چو جنگ نینوا نزدیک شد داماد می گردد
به ویرانی این اوضاع هستم مطمئن زان رو
که بنیاد جفا و جور بی بنیاد می گردد
ز شاگردی نمودن فرخی استاد ماهر شد
بلی هر کس که شاگردی کند استاد می گردد

تهران - زندان قصر - اردیبهشت ۱۳۱۸

درجنبش جهانی کمونیستی کارگری و زنان

جنبش کارگری: باردیگر، جنرال موتورز حمله به کارگران برزیلی را بابیکارسازی وسیع درمجتمع سائو خوزه دوس کامپوس - در ۸۰کیلومتری‌پایتخت،سائوپالو ازسرگرفته است. اخراج کردن از کار از هشتم این ماه اوت شروع شده است، وتاکنون به بیش از ۵۰۰ نفر طبق ارزیابی اتحادیه رسیده است. از۲۰۰۸، وقتی که آمریکا بحران را تجربه کرد، ماشین سازان شروع به روندتجدیدسازماندهی درتولید دربرزیل پرداختند، با بیکارکردن هزاران کارگر و پائین آوردن حقوق بقیه، همه ی اینها به مثابه استراتژی تامین سودهای شرکت درسطح جهانی بود. شرکت ۴ کارخانه دربرزیل دارد، کارخانه درسائو پالوخوزه دوس کامپوس یکی از مهمترین ها است.
در۲۰۱۲، این روند سخت و به تمامی در کارخانه سائو پالو خوزه دوس کامپوس به اجرا درآمد، باتهدید بستن کارخانه MVA (موتور ماشین کوهستانی) و ۱۸۰۰ کارگر اخراج شدند. از آن زمان، کارغیرقانونی کارخانه درمورد کارمندان به طور دائمی صورت گرفت، و به همان ترتیب مبارزه برای دفاع از شغل و حقوق کارگران.
درهمان سال ۲۰۱۲، بعداز بسیج مهم روند ازجمله اعتصاب، بستن بزرگ راه، با مذاکره با شرکت و دولت، اتحادیه و جنرال موتورز به توافقی درمورد قطع بی کارسازی ازشروع گذرای آن (قطع موقت قرارداد بیکار سازی) رسیدند.
بعداز کامل‌کردن قراردادهای‌کاری‌در مارس ۲۰۱۳، بیکارسازی ۵۹۸ کارگر فلزکار، احساس ناراحتی در شهر به وجودآورد. همچنین بخشی ازمبارزه دردفاع از شغلها، اتحادیه جنرال موتورز به دو توافق برای سرمایه گذاری درکارخانه محلی رسیدند، و

بقیه در صفحه ۱۴

امپراتوری دلار ایالات متحده لخت عریان شده است.
این دیگر هیچ چیز برای خود نمایی ندارد

عقل متعارف این است که هیچ ارز دیگری در جهان نمی تواند بازار اوراق قرضه جهانی را پشتیبانی کند و دلار کاغذ توالتی ایالات متحده را نجات دهد. بنا براین، ما نمی توانیم بدون دلار کاغذ توالتی ایالات متحده کاری کنیم!
توسط ماتیس چنگ،
Future Fast Forward
به اصطلاح متخصصین در اقتصاد، از جمله برندگان جایزه نوبل همیشه با صدای موزون سرود بانک مرکزی جهانی، تحت کنترل فدرال ریزرو و بانک انگلیس را از بر می خوانند که دلار کاغذ توالتی ایالات متحده به نقدینگی (قابلیت تبدیل به پول) پولی جهانی را دارا می باشد، به خاطر این که این پول، لنگر بازار اوراق جهانی است، به خصوص اوراق قرضه خزانه داری ایالات متحده.
این چنین است خرد یا فضیلت پذیرفته شده به اصطلاح مردان و زنان عاقل و پرمایه امور مالی جهانی.
اگر حقیقت گفته شود، این « خرد مالی پذیرفته شده »، یک فریب کاری بزرگ است!
در واقع، قدرت ادعا شده دلار ایالات متحده، در حقیقت ضعیف ترین حلقه آن، پاشنه آشیل کل سیستم مالی جهانی است!
چرا؟
یک اوراق قرضه (یا باند) اذعان بدهی است. به عبارت دیگر، این تعریفی است

بقیه در صفحه ۱۸

پرسش ها و پاسخ های قابل بحث (بخش سوم)

- در بخش های اول و دوم به پرسش هائی درباره حاکمیت ملی ، ضرورت گسست در محور نظام ، هویت انحصارات پنجگانه و چگونگی تلاقی ها بین مرکزهای مسلط و پیرامونی های دربند به طور اجمالی پاسخ های قابل بحث، ارائه گردید. در بخش سوم این نوشتار بعد از طرح پرسش چهارم درباره پدیده امپریالیسم به پاسخ نسبتا اجمالی ولی قابل تامل آن، می پردازیم.
پرسش چهارم: ویژگی ها و شکل و شمایل امپریالیسم (پیش از تکاملش به امپریالیسم سه سره کنونی) کدامین بوده و چه وقایع و عواملی در این تغییر و دگردیسی به ویژه در دوره "جنگ سرد" از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۱، نقش داشتند؟
پاسخ
- سرمایه داری از آغاز ظهور و شکلگیری اش پیوسته جهانی گرا و ماهیتا یک نظم شکاف انداز و قطب ساز بوده است . این روند شکاف و قطب سازی که در عصر سرمایه داری انحصاری از دهه ۸۰ قرن نوزدهم به این سو جهانی تر و شدید تر گشته به نام پدیده امپریالیسم معروف شده است..
گسترش جهانی سرمایه داری و تغییرات اساسی در سیستم های انباشت و باز تولید آنها در ۱۳۰ سال گذشته (از ۱۸۸۵ تا کنون ۲۰۱۵) منجر به شکاف سازی های مکمل تر و لازم و ملزوم هم بین مرکزهای مسلط نظام و پیرامونی های دربند در جهان گشته اند. این وضع یعنی شکاف سازی منبعث از

بقیه در صفحه ۲۱

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی نشریه رنجبر:
ranjbar.ranjbaran@yahoo.com
آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.info@yahoo.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A